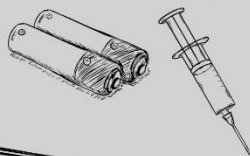
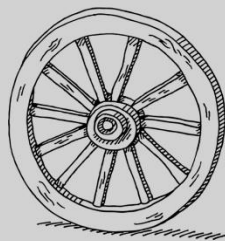


# اختراع

چرا و چگونه؟



نویسنده: امید حامدتابعی

# ثبت اختراع، چرا و چگونه؟

نویسنده: امید حامد تابعی



**خانه مخترعین ایران**

## ثبت اختراع، چرا و چگونه؟

مؤلف .....	:	امید حامدتابعی
ویراستار .....	:	بنفشه بلیلی
ناشر .....	:	خانه مخترعین ایران
ویرایش اول .....	:	بهار ۱۳۹۸
شمارگان .....	:	۱۰۰۰ نسخه
شماره شناسنامه اثر .....	:	۸ - ۴۱۵۰۲ - ۰۶۶۱۳۳
کد شامد .....	:	۱ - ۱ - ۷۴۵۱۷۶ - ۶۲ - ۰ - ۲
مخاطب اثر .....	:	بزرگسالان
قیمت .....	:	۹۰۰۰۰ تومان

حق نشر برای خانه مخترعین ایران محفوظ است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## **تقدیم به:**

استاد عزیزم جناب آقای محمد صادقیه که تنها راهنمایی ها و دلگرمی های ایشان انگیزه‌ی نوشتن این کتاب شد.

## تشر و قدر دانی:

از آنجایی که این کتاب را به پیشنهاد استاد محمد صادقیه‌ی عزیز به رشته‌ی تحریر درآوردم، نهایت تشکر و قدر دانی را از این استاد ارجمندم دارم که اگر حمایت‌ها و راهنمایی‌های ایشان نبود، هرگز چنین کتابی اکنون در اختیار خوانندگان فرهیخته‌ی آن قرار نگرفته بود. همچنین از تمامی کسانی که پیش از انتشار کتاب، آن را مطالعه کردند و با پیشنهادات و انتقادات بجای خود، مرا در این راه یاری کردند، صمیمانه سپاسگزارم.

## پیشگفتار:

سالیان سال است که به عنوان مشاور در کنار افراد مختلف بوده ام و اختراعات بسیاری را در زمینه های گوناگون علمی به همت مخترعین عزیز کشورمان به سرمنزل مقصود رسانده ایم. در تمامی این سال ها بسیاری از کمبود ها را در مسیر طراحی اختراع تا تولید محصولات اختراعی و رساندن آن ها به دست عموم مردم جامعه حس کرده ام. اختراعات ایرانی بسیار ارزشمندی را می شناسم که اکنون به اصطلاح خاک می خورند و چه بسا می توانستند خدمات عظیمی به ملت عزیز ایران ارائه کنند. مخترعین بزرگی را می شناسم که حتی وقتی به خودشان می گویم شما یک مخترع هستید، باور نمی کنند. تصور نادرستی در ذهن مردم از اختراع و مخترع وجود دارد و هیچ گونه خدمات آموزشی تاکنون در این زمینه وجود نداشته است. من شخصا معتقدم ایران در حال توسعه، برای سرعت بخشیدن به سیر پیشرفت خود تا تبدیل شدن به ایران توسعه یافته، باید به نخبگان این مرز و بوم تکیه کند و به آن ها بیش از پیش بها بدهد. من به سهم خودم سعی کرده ام در زمینه اختراعات (اعم از ایده پردازی، طراحی، نمونه سازی، ثبت رسمی، تولید انبوه، احداث خط تولید، جذب سرمایه و ...) خلاء موجود را تا جایی که در توانم هست پر بکنم تا به امید خداوند شاهد تاثیرات این تلاش ها در بهبود زندگی مردم عزیزمان باشیم.

کتاب «ثبت اختراع، چرا و چگونه؟» با این هدف نگارش شده است تا دید خواننده را نسبت به مقوله ی ثبت اختراع باز تر کند و علاقه مندان به این

حیطه را به شکلی صحیح راهنمایی نماید. محتوای آموزشی این کتاب نیز تاکنون به این سبک و سیاق و با این شفافیت و صمیمیت وجود نداشته است و خود این کتاب نیز نگارش شده است تا خلأی را پر بکند. به امید آنکه چنین باشد و برای خوانندگان عزیزی که همگی آن ها مستعد مخترع شدن هستند، مفید واقع شود.

از همه کسانی که در این راه مرا همراهی کردند، صمیمانه سپاسگزارم و از خوانندگان فرهیخته کتاب نیز تقاضا دارم بنده را از انتقادات و پیشنهادات سازنده خود بی نصیب نگذارید و با آدرس رایانامه [O.H.T@outlook.com](mailto:O.H.T@outlook.com) با من در ارتباط باشید.

امید حامدتابعی

۴ آبان ۱۳۹۷



## فهرست

- فصل اول: چرا دوست داریم مخترع شویم؟ ..... ۱۰
- فصل دوم: اختراع چیست؟ ..... ۱۵
- فصل سوم: مزایای ثبت اختراع ..... ۲۵
- ۱- حق انحصاری مالکیت ایده ..... ۲۸
- ۲- کسب درآمد از فروش ایده ..... ۳۲
- ۳- کسب وجهه‌ی مثبت اجتماعی و رزومه سازی ..... ۳۴
- ۴- مزایای اختراع در دوره‌ی سربازی ..... ۳۷
- ۵- اخذ حمایت‌های کارآفرینی مانند وام‌های خاص ..... ۴۳
- ۶- سایر مزایای ثبت اختراع ..... ۴۶
- فصل چهارم: از کجا شروع کنیم؟ ..... ۴۸
- فصل پنجم: معدل من ۱۳ است! ..... ۷۷
- فصل ششم: مروری بر سرگذشت مخترعین مشهور ..... ۸۳
- ۱- توماس آلوا ادیسون (۱۸۴۷-۱۹۳۱ آمریکا) ..... ۸۵
- ۲- الکساندر گراهام بل (۱۸۴۷-۱۹۲۲ اسکاتلند) ..... ۹۴
- ۳- کارل فردریش بنز (۱۸۴۴-۱۹۲۹ آلمان) ..... ۱۰۰
- فصل هفتم: نتیجه‌گیری و حرف آخر ..... ۱۰۹

# فصل اول

چرا دوست داریم مخترع شویم؟

تقریباً همه ما با شنیدن اسم اختراع و مخترع به وجد می‌آییم. به مخترعین بزرگ و مشهور افتخار می‌کنیم و آرزو می‌کنیم که ای کاش من هم می‌توانستم مخترع بزرگی بشوم. همچنین تقریباً همه‌ی ما ایده‌هایی بزرگ و رویایی در ذهن مان داریم یا داشته‌ایم که اگر تبدیل به عمل می‌شد هم به رفاه مردم و پیشرفت کشورمان کمک می‌کرد و هم باعث کسب درآمد و تأمین رفاه مادی زندگی خودمان می‌شد. این مسئله هیچ ارتباطی به مقدار تحصیلی یا رشته‌ی تحصیلی ندارد. مطمئن هستیم که در همین لحظه که این جملات را خواندید، ایده‌هایی که تاکنون در ذهن داشته‌اید را یک بار مرور کردید. لطفاً خیلی سریع کاغذ و قلم بردارید و پیش از خواندن ادامه‌ی مطلب، هرآنچه در ذهن دارید را یادداشت نمایید. شاید پس از خواندن این کتاب، شما نیز یک مخترع مشهور باشید.

چرا دوست داریم مخترع شویم؟ واضح است! انسان ذاتاً موجودی کنجکاو و با میل به پیشرفت و تغییر و تحول خلق شده است. از این نظر با اطمینان خاطر عرض می‌کنم که همه‌ی آدم‌ها همیشه ایده‌هایی نو در ذهن دارند. این مسئله را همواره در جلسات مشاوره، در مراجعین خودم دیده‌ام.

دوست داریم مخترع شویم چون یک میل غریزی برای این کار در وجودمان نهفته است. اما در اغلب موارد مخترع نمی شویم. چرا؟ سه دلیل عمده باعث می شود که ایده های ارزشمندی که می توانست به جامعه خدمت بزرگی بکند را به باد فراموشی بسپاریم و حتی درباره ی آن با کسی حرفی نزنیم. دلیل اول آن است که خودمان را باور نداریم. برای ایده های ارزشمندی که به ذهنمان می رسد ارزشی قائل نیستیم و فکر می کنیم که چیز مهمی نیست و به ذهن بقیه هم می رسد. دلیل دوم نداشتن تخصص کافیست. به عنوان مثال من ایده ی ساخت رباتی را در ذهن دارم که بتواند برایم آشپزی کند. اما هیچ تخصصی در زمینه ی طراحی و ساخت یک ربات هوشمند ندارم. لذا ساده ترین کاری که به ذهنم می رسد این است که ایده ی خود را صرف نظر از اینکه چقدر خوب بود یا بد، به طور کلی فراموش کنم. اما دلیل سوم و مهم ترین دلیل برای تحقق نیافتن ایده ها این است که اکثر ما راه محقق شدن ایده و تبدیل آن به یک اختراع کاربردی را بلد نیستیم. این مسئله با نداشتن تخصص علمی فرق می کند. بسیاری کسانی که دانش فنی کافی دارند، اختراعات خود را کاملا خودشان طراحی می کنند و می سازند و حتی می فروشند، اما مخترع محسوب نمی شوند و از مزایای حمایتی یک مخترع برخوردار نمی شوند و نیز حاصل تلاش آن ها چندان برای جامعه مفید واقع نمی گردد. حتما می پرسید کسی که اختراع خود را ساخته و فروخته است، بدان معناست که آن را کاربردی و محقق کرده است. پاسخ منفیست. این همه ی ماجرا نیست. در ادامه وقتی به جزئیات کامل موضوع پرداختیم، خودتان متوجه اصل موضوع خواهید شد.

خب! یعنی کار سخت شد؟! یعنی حتی اگر تخصص کافی داشته باشیم و اختراع خود را بسازیم، باز هم مخترع نیستیم؟ مخترع بودن چیزی پیچیده تر اینهاست؟!

من سوال اساسی تری دارم. شما با مطالعه ی کامل این کتاب تمامی اطلاعات لازم در مسیر مخترع شدن را خواهید آموخت. اما سوال من این است که مگر همه ی مردم مخترع می‌شوند؟ مگر لزومی دارد که همه مخترع باشند؟ پاسخی که خودم به این سوال می‌دهم این است که لزومی ندارد همه ی مردم مخترع باشند، اما لازم است که همه ی مردم با راه و روش صحیح ایده پروری آشنا باشند. چرا که عدم آگاهی در این زمینه باعث می‌شود که ایده هایی بسیار ناب و گران سنگ هر روز و هر روز به محض پیدایش، در نطفه خفه شود و به باد فراموشی سپرده شود. قطعاً همه ی شما این اتفاق را تجربه کرده اید که ایده‌ای در سر داشته اید و پس از گذشت مدتی فراموشی، شاهد ساخت آن توسط دیگران بوده اید.

پس در جمع بندی صحبت های صورت گرفته، می‌خواهم با جدیت و قطعیت به شما بگویم که برای پرورش یک ایده و بهره برداری صحیح از آن هیچ نیازی نیست که شما در زمینه ی فنی ایده ای که به ذهنتان می‌رسد متخصص باشید. نیازی نیست خودتان آن را با صرف کلی وقت و هزینه و آزمون و خطا بسازید. باید راه و روش صحیح ارائه ی ایده تان را بلد باشید. همچنین از کنار ایده‌های خام و بعضاً خنده دار خود بی تفاوت نگذرید. همه ی ایده هایتان

را در جای مشخصی یادداشت نمایید. شاید روزی یک مخترع بزرگ شوید! شاید هم نخواهید صرفاً ایده‌ی خود را به فروش برسانید.

پس بعد از این اگر بخواهیم به این سوال جواب دهیم که "چرا دوست داریم مخترع شویم؟" می‌گوییم اولاً یک میل غریزی است برای پیشرفت، ثانیاً دوست داریم افکار مفیدمان در راه خدمت به مردم جامعه مورد استفاده قرار گیرد و ثالثاً با فروش محصول اختراع یا حق اختراع، به درآمد زایی برسیم. البته همواره اهدافی فرعی برای این کار وجود دارند. از این دست می‌توان به استفاده از مزایای سربازی یا گرفتن وام‌های خوب اشاره کرد. اما همانطور که گفته شد، این‌ها اهداف فرعی هستند و اهداف واقعی ثبت اختراع در اکثر مواقع نادیده گرفته می‌شوند و افراد با همین انگیزه‌های جزئی در جستجوی راهی برای ثبت اختراع می‌گردند. در هر صورت راجع به همه‌ی این مسائل در فصل‌های بعدی کامل‌تر صحبت خواهیم کرد.

**فصل دوم:**

**اختراع چیست؟**

یک تعریف کلی و رسمی برای اختراع وجود دارد که با جستجو در منابع رسمی آن را مشاهده خواهید کرد. در اینجا می‌خواهم خارج از چارچوب تعریف علمی و رسمی، این مسئله را بیشتر توضیح دهم. در اکثر کشورهای دنیا در کنار همه‌ی سازمان‌های دولتی، اداره‌ای به نام اداره‌ی ثبت اختراعات تشکیل شده است. بسیاری از ما رویای مخترع شدن را در سر می‌پرورانیم بدون آنکه از وجود چنین اداره‌ای با خبر باشیم. وظیفه‌ی اداره‌ی ثبت اختراعات، بررسی علمی و فنی اختراعات مورد ادعای افراد است. فردی که ایده‌ای در ذهن دارد که فکر می‌کند می‌تواند یک اختراع باشد، آن را به صورت کتبی و رسمی به اداره‌ی ثبت اختراعات تحویل می‌دهد. اداره با بررسی تخصصی ادعای صورت گرفته، مشخص می‌کند که آیا این ادعا ویژگی‌های لازمه‌ی یک اختراع را دارد یا خیر. در صورتی که پاسخ مثبت باشد، پس از طی یکسری روال اداری و قانونی، به ایده‌ی ادعا شده، گواهی ثبت اختراع تعلق می‌گیرد و گواهینامه‌ی آن توسط همین اداره صادر می‌گردد. پس با آگاهی از این مطلب، اکنون می‌توانیم مفاهیم "اختراع" و "مخترع" را به طور واضح تعریف کنیم.



اختراع، ایده‌ی ساخت یک دستگاه یا یک فرآیند جدید است که برای اولین بار در دنیا، به ذهن کسی رسیده باشد و با ارائه‌ی آن به یک مرجع ذیصلاح (اداره‌ی ثبت اختراعات آن کشور) گواهینامه‌ی رسمی ثبت اختراع را دریافت کرده باشد.

مخترع، کسی است که اسم وی در گواهینامه‌ی ثبت اختراع، به عنوان مخترع آن ایده قید شده باشد. پس در واقع اگر کسی ایده‌ی در ذهن داشته که تصور می‌کرده ایده‌ی جدیدی بوده است و سپس این ایده‌ی خود را ساخته و به فروش هم رسانده است، مادامی که آن را به اداره‌ی ثبت اختراع ارائه نکرده است و گواهینامه‌ی ثبت اختراع را اخذ نکرده است، این شخص مخترع محسوب نمی‌شود.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که مگر ملاک مخترع بودن، صرفاً یک برگ کاغذ به نام گواهینامه‌ی ثبت اختراع است؟ کسانی که اصلاحات دست به آچار هستند و با توانایی فنی خود، هر روز یک وسیله‌ی جدید و مفید می‌سازند، مخترع نیستند؟ اما کسی که صرفاً ایده‌ی ذهنی خود را برای اداره ثبت اختراع بیان کرده است می‌تواند مخترع باشد؟ مگر اخذ یک مدرک چقدر اهمیت دارد؟ آیا ادیسون، مشهورترین مخترع جهان، با اخذ یک برگ گواهینامه به چنین جایگاهی رسید یا با تلاش مستمری که برای ساخت اختراعات خود به شکل عملی داشت؟

مشکل اینجاست که عموم مردم هیچ ذهنیتی از گواهینامه‌ی ثبت اختراع ندارند و برعکس، ذهنیت عجیب و غریبی از مخترع بودن دارند و چه بسا آنقدر عجیب که باورشان نمی‌شود خودشان هم می‌توانند مخترع باشند. پاسخ تمامی سوالات پیشین با تشریح دقیق فلسفه‌ی وجودی گواهینامه‌ی ثبت اختراع مشخص می‌گردد.

گواهینامه‌ی ثبت اختراع در واقع یک نوع سند مالکیت است. اداره‌ی ثبت اختراع نیز زیر مجموعه‌ی اداره‌ی مالکیت فکری است و اداره‌ی مالکیت فکری زیر مجموعه‌ی سازمان ثبت اسناد و املاک است. پس طبق قانون، همانگونه که هر شخصی می‌تواند مالک یک خانه یا خودرو یا امثال آن باشد و برای این مالکیت، سند رسمی و قانونی اخذ نماید، به همین شکل می‌تواند مالک فکر جدیدی باشد که برای اولین بار به ذهن او رسیده است. پس گواهینامه‌ی ثبت اختراع، سند مالکیت رسمی یک ایده است. اما از آنجایی که یک ایده‌ی جدید، در ذات خود دانش جدیدی را گنجانده است و علم و دانش به همه‌ی بشریت تعلق دارد و انحصاری نیست، مالکیت اختراع همیشگی نیست و برای آن محدودیت زمانی قائل می‌شوند. این مدت زمان غالباً ۲۰ سال است و بدین معناست که شخص مخترع، تا ۲۰ سال انحصاراً مالک همه‌ی سودآوری‌های مادی و غیر مادی ایده‌ی خود می‌باشد و پس از گذشت ۲۰ سال، آن ایده به عنوان یک محتوای علمی، متعلق به همه‌ی مردم دنیاست و دیگران نیز می‌توانند از آن بهره ببرند.

بزرگ ترین تصور غلطی که درباره‌ی اختراع در ذهن عموم مردم شکل گرفته است این است که برای مخترع شدن باید یک ابتکار جدید را به طور عملی و فیزیکی بسازیم. این در حالیست که اداره‌ی ثبت اختراعات، به هیچ وجه یک جسم فیزیکی را از ما تحویل نمی‌گیرد. فرآیند مخترع شدن به ظاهر ساده‌تر از این است که بخواهیم خود را درگیر ساخت یک قطعه کنیم. ابتدا ایده‌ی خود را در فرم مشخصی به صورت کتبی توضیح می‌دهیم، آن را به اداره‌ی ثبت اختراعات تحویل می‌دهیم و منتظر می‌مانیم تا از جانب اداره مورد بررسی قرار گیرد. در صورتی که اداره‌ی ثبت اختراعات تشخیص دهد که ایده‌ی ارائه شده، یک اختراع جدید است، برای آن گواهینامه‌ی ثبت اختراع صادر می‌کند و اسم ما را به عنوان مخترع در گواهینامه قید می‌کند و از آن پس ما به شکل رسمی مخترع محسوب می‌شویم و به مدت ۲۰ سال مالک آن ایده خواهیم بود. اما چگونه ممکن است کسی که دستگاه جدیدی را ساخته است مخترع نباشد، ولی کسی که ایده‌ی خام خود را فقط روی کاغذ به صورت تئوری توضیح داده است، مخترع می‌شود؟

پاسخ در فرآیند اداری کسب گواهینامه‌ی ثبت اختراع نهفته است. من نمی‌گویم اختراع خود را بسازید. اگر توانایی ساخت آن را در خودتان می‌بینید و تمایل دارید، آن را بسازید. اما آنچه که به گواهینامه‌ی ثبت اختراع ارزش و اعتبار می‌دهد، دستگاه ساخته شده نیست. همچنین در فرآیند ارائه‌ی ایده تا کسب گواهینامه، الزامی به ارائه‌ی قطعه‌ی فیزیکی نیست.

در فرآیند اداری ثبت اختراع که در ادامه به تفصیل به آن خواهیم پرداخت، ایده‌ی مورد ادعای شما از چند جانب مورد بررسی قرار می‌گیرد. اولاً اختراع باید در تمام دنیا جدید باشد و برای اولین بار به ذهن شما رسیده باشد. ثانیاً ادعای شما به طور علمی توسط اساتید دانشگاه‌های مختلف و متخصصین رشته‌ی علمی مرتبط با آن ایده، مورد داوری قرار می‌گیرد. متن کتبی و تئوری تهیه شده از جانب شما، باید بتواند اساتید متخصص آن حوزه‌ی علمی مربوطه را متقاعد کند. در فرآیند داوری اختراع، اگر ایده‌ی خود را ساخته باشید، ممکن است بتوانید فیلم و عکس از عملکرد دستگاه ساخته شده را برای داوران ارسال نمایید و در صورت لزوم و امکان، خود دستگاه را نیز ارائه دهید. تهیه‌ی نمونه‌ی ساخته شده‌ی دستگاه، می‌تواند قضاوت درباره‌ی ایده‌ی شما را آسان‌تر کند. اما الزامی برای ارائه‌ی آن وجود ندارد. این در حالیست که تهیه‌ی یک متن تئوری منطقی که بتواند داوران را مجاب به تایید اختراع نماید، الزامیست.

بنابراین گواهینامه‌ی ثبت اختراع ارزش علمی بالایی دارد. شاید شخص مخترع تمایلی به ساخت اختراع خود نداشته باشد و صرفاً بخواهد آن را واگذار نماید. پس منطقی است که امکان ثبت اختراع بدون ساخت آن وجود داشته باشد. اینکه آیا اختراع مورد ادعا قابلیت ساخته شدن دارد یا خیر، توسط داوران متخصص بررسی می‌شود. پس گواهینامه‌ی ثبت اختراع گواه این مطلب است که ادعای صاحب آن، جدید است، مبنای علمی دارد و قابل ساخت است. از طرفی دیگر شما نیز با شنیدن عنوان مخترع، شخصی را در ذهن مجسم

می‌نمایید که ذهن خلاق دارد، نه کسی که با در اختیار داشتن ابزارهای مختلف وسایل مختلف می‌سازد. ساختن دستگاه را می‌توان به دیگران سپرد. آنچه ارزشمند است، فکر خلاق است. گواهینامه‌ی ثبت اختراع نیز گواهی مالکیت یک فکر است، نه یک شیء.

اکنون می‌توانیم تعریف رسمی اختراع را بر طبق قانون ثبت اختراعات ایران بیان نماییم. در ماده‌ی ۱ این قانون، "اختراع" اینگونه تعریف می‌شود:

"اختراع نتیجه‌ی فکر فرد یا افراد است که برای اولین بار فرآیند یا فرآورده‌ای خاص را ارائه می‌کند و مشکلی را در یک حرفه، فن، فناوری، صنعت و مانند آن‌ها حل می‌نماید."

این قانون سپس در ادامه بیشتر توضیح می‌دهد و در ماده‌ی ۲ می‌افزاید:

"اختراعی قابل ثبت است که حاوی ابتکار جدید و دارای کاربرد صنعتی باشد. ابتکار جدید عبارت است از آنچه که در فن یا صنعت قبلی وجود نداشته و برای دارنده مهارت عادی در فن مذکور، معلوم و آشکار نباشد و از نظر صنعتی، اختراعی کاربردی محسوب می‌شود که در رشته‌ای از صنعت قابل ساخت یا استفاده باشد. مراد از صنعت، معنای گسترده‌ی آن است و شامل مواردی نظیر صنایع دستی، کشاورزی، ماهیگیری و خدمات نیز می‌شود."

همان گونه که در این تعاریف رسمی ملاحظه می‌گردد، تشخیص اینکه ایده‌ی شما استحقاق اخذ گواهینامه ثبت اختراع را دارد یا نه، کار دشواری است.

چرا که این مسئله کاملا نسبی و مقایسه ایست و توضیح شفاف و مطلق در تعریف رسمی اختراع نمی‌بینیم. تشخیص اختراع بودن یا نبودن یک ایده، همان وظیفه‌ایست که بر عهده‌ی داوران اختراع می‌باشد. اما این خیلی مهم است که وقتی ایده‌ای به ذهنتان می‌رسد بتوانید خودتان تشخیص دهید که آیا این ایده منطقی و قابل اجراست و آیا واقعا قبلا ساخته نشده است؟ اساسی ترین ویژگی یک اختراع، جدید بودن آن است. شما خودتان چگونه باید از جدید بودن ایده‌ی خود اطمینان حاصل کنید؟

می‌توان بدون اطلاع از اینکه ایده‌ی به ذهن آمده صحیح و علمی و جدید هست یا خیر، آن را به اداره‌ی ثبت اختراعات ارائه کرد و قضاوت در این باره را به دست اداره و داوران سپرد. اما این کار وقت زیاد و مقداری هزینه صرف خواهد کرد. با مراجعین زیادی برخورد داشته ام که بیش از یک سال و نیم از تاریخ تشکیل پرونده‌ی آنان در اداره‌ی ثبت اختراع گذشته و همچنان موفق به اخذ گواهینامه نشده بودند. این در صورتی است که در حالت عادی، روند اداری ثبت اختراع از ابتدای تشکیل پرونده تا صدور گواهینامه، بین ۲ تا ۴ ماه بیشتر طول نمی‌کشد. بنابراین بسیار حائز اهمیت است که خودتان بتوانید ایده‌ی خود را ارزیابی نمایید و تشخیص دهید که آیا این ایده می‌تواند برای کسب گواهینامه‌ی ثبت اختراع داوران را متقاعد کند یا خیر. قطعا تا زمانی که تجربه‌ای در این زمینه ندارید، ممکن است حتی از ایده‌های بسیار ناب خود صرف نظر کنید و تصور کنید ایده‌ای که به ذهنتان رسیده خیلی خنده دار و مبتدی است.

به همین دلیل در ابتدای کلام خواهش کردم که هر ایده‌ای به ذهنتان رسیده است را در برگه‌ای یادداشت و لیست تهیه کنید.

اگر شما اکنون ایده‌ای در ذهن دارید و تصمیم دارید که مخترع شوید، به مراتب در وضعیت بهتری قرار دارید نسبت به زمانی که من برای اولین بار ایده‌ای را برای مخترع شدن در سر داشتم. من هم مانند دیگران ایده‌ای در ذهن داشتم که فکر می‌کردم می‌توانم به واسطه‌ی آن ایده مخترع شوم. اما نمی‌دانستم که اصلاً اختراع چیست و هدف از ثبت اختراع و مخترع شدن چیست و حتی نمی‌دانستم اداره‌ای به اسم اداره‌ی ثبت اختراعات وجود دارد. بنابراین سعی کردم تمام این نکاتی که خودم از دانستن آن‌ها محروم بوده‌ام را در اختیار شما قرار دهم. اکنون می‌دانم که بهترین راه برای تشخیص اینکه ایده‌ای قابل ثبت هست یا نه، مشورت با مخترعی است که در این راه تجربه داشته باشد و یا مشورت با اساتید دانشگاهی است که خودشان داور اختراع هستند. با این حال تکنیک‌هایی وجود دارد که به کمک آن‌ها می‌توان تا حدودی از جدید بودن و کاربردی بودن ایده‌ی اولیه اطلاع حاصل کرد و در ادامه سعی می‌کنم تمامی این روش‌ها را برایتان توضیح دهم. اما پیش از آنکه روش‌های مذکور و راهکارهای تبدیل ایده به اختراع را به طور کامل تشریح کنم، باید راجع به مزایای ثبت اختراع و انگیزه‌های لازم برای شروع به این اقدام بیشتر توضیح دهم. شاید با مطالعه‌ی این مبحث که در فصل بعد به آن خواهیم پرداخت، متوجه شوید که هیچ علاقه‌ای به مخترع شدن ندارید و صرفاً از اسم اختراع و

مخترع خوششان می‌آید. شاید هم بیش از پیش علاقه‌مند شدید که حتما مخترع شوید. این بستگی به موقعیت کنونی زندگی شما و البته تمایلات شخصی تان دارد. بنابراین در فصل ۳ به طور کامل تمامی مزیت های مخترع شدن را باهم مرور می‌کنیم و در فصل ۴ فرآیند ثبت اختراع را از پیدایش ایده تا اخذ گواهینامه به طور کامل تشریح خواهیم کرد.



## **فصل سوم:**

# **مزایای ثبت اختراع**

همانگونه که درباره‌ی گواهینامه‌ی ثبت اختراع و فلسفه‌ی وجودی آن، تصورات بعضا نادرستی در ذهن مردم شکل گرفته است، در رابطه با مزایای مخترع شدن نیز این تصورات وجود دارد. رایج ترین تفکری که در این باره وجود دارد این است که کسی که مخترع می‌شود و وسیله‌ی جدیدی را می‌سازد، با فروش آن ثروتمند می‌شود! خب تفکر چندان غلطی هم نیست. من می‌دانم این فکر از کجا نشأت گرفته است. گواهینامه‌ی ثبت اختراع، حق تولید و بهره برداری "انحصاری" برای مخترع ایجاد می‌کند. طبیعتا اگر محصولی توسط یک تولید کننده به صورت انحصاری تولید انبوه شود و به فروش رسد، درآمد بسیار چشمگیری نصیب آن تولید کننده می‌شود. اما این بدان معنی نیست که مخترع شدن با ثروتمند شدن برابر است و یا همه‌ی هدف و انگیزه‌ی ثبت یک اختراع، انگیزه‌ی مالی است.

کسب گواهینامه‌ی اختراع برای دارنده‌ی آن مزیت های مختلفی به همراه دارد. ممکن است این مزایا بسته به شرایط فرهنگی کشورهای مختلف، متفاوت باشد. آنچه که در اینجا راجع به آن صحبت خواهیم کرد، مزایایی هستند که برای مخترعین ایرانی و در کشور ایران محتمل و قابل حصول است.

قطعا ذهنیت های نصفه و نیمه‌ای درباره‌ی این مزیت ها در ذهن هر کدام از ما وجود دارد. مثلا دانش آموزان و دانشجویان پسر، تصور می‌کنند که با مخترع شدن می‌توانند سربازی خود را به صورت پروژه‌ای و غیر حضوری انجام دهند. بسیاری از دانشجویانی که تصمیم می‌گیرند برای ادامه تحصیل به خارج از کشور بروند و در دانشگاه‌های رده بالای جهانی به تحصیل بپردازند، ثبت رسمی اختراع را رزومه‌ای قوی برای خود می‌پندارند. صنعتگرانی که با ثبت اختراع آشنایی دارند، ترجیح می‌دهند از آن به عنوان پشتوانه‌ای برای اخذ وام از بانک ها و تبلیغات محصول خود در بین مردم استفاده کنند. همه ی ما تبلیغات تلویزیونی محصولات دارای گواهینامه‌ی ثبت اختراع را دیده ایم. حقیقتا ارائه‌ی گواهینامه‌ی ثبت اختراع در یک آگهی تلویزیونی، نظر مرا جلب می‌کند. حتی اگر نیازی به خرید آن کالا نداشته باشم، ترجیح می‌دهم برای حمایت از مخترع آن ایده و همچنین حمایت از تولید ملی و اشتغال مردم عزیز ایران، هم خودم آن را خریداری نمایم و هم به دوستان و آشنایان معرفی و تبلیغ کنم.

همه‌ی این تصورات و انتظارات از گواهینامه‌ی ثبت اختراع و کلی انتظار دیگر، هیچکدام کاملا غلط یا کاملا صحیح نیستند. مشکل اینجاست که در اکثر مواردی که افراد با ثبت اختراع آشنا می‌شوند و سعی در تبدیل ایده هایشان به اختراع دارند، هدفشان از این اقدام با فلسفه‌ی وجودی گواهینامه‌ی ثبت اختراع یکسان نیست. مثلا کسی که می‌خواهد به عنوان رزومه از آن استفاده کند، اهمیتی نمی‌دهد به این نکته که هدف از طراحی اختراع، تولید آن و خدمت به

جامعه بود. البته قرار نیست همه‌ی مخترعین تولید کننده باشند. ولی در ادامه خودتان خواهید دید که سالانه چیزی در حدود ده هزار عدد اختراع در ایران به ثبت می‌رسد و متأسفانه تعداد انگشت شماری از آنان تبدیل به محصولی می‌شود که دردی از جامعه دوا کند.

اکنون می‌خواهم مزایا و انگیزه‌های ثبت یک اختراع را به صورت مورد به مورد توضیح دهم. خواه این مزایا در راستای اهداف اصلی ثبت اختراع باشند، خواه نباشند و به عنوان انگیزه‌های فرعی شما را به این اقدام جلب کنند. بنده در اینجا همه چیز را در حد تحقیقات و تجربیات خودم شفاف بیان خواهم کرد. قرار نیست شما با خواندن این انگیزه‌ها، لزوماً جذب شوید و همین لحظه تصمیم بگیرید که مخترع شوید. با خود صادق باشید و اگر این مزایا و انگیزه‌ها، شما را مجاب نمی‌کند، اصراری بر مخترع شدن نداشته باشید. اما اگر به هر دلیلی (اصلی یا فرعی) تصمیم به ثبت اختراع بگیرید، بسیار خرسند خواهم بود که بتوانم راه صحیح و اصولی آن را در اختیارتان بگذارم.

## ۱- حق انحصاری مالکیت ایده

اولین، اصلی‌ترین و صحیح‌ترین هدف و انگیزه‌ای که ممکن است یک مخترع از ثبت اختراع خود داشته باشد، در اختیار داشتن حق انحصاری مالکیت فکر و ایده‌ی خود می‌باشد. همانگونه که در قسمت‌های قبلی اختصاراً صحبت شد، اخذ گواهینامه‌ی ثبت اختراع به منزله‌ی اخذ سند مالکیت فکر و ایده‌ی

فرد مخترع به مدت ۲۰ سال می‌باشد. البته مناسب است که در همینجا خدمتتان عرض کنم عنوان "مالک اختراع" اندکی با "مخترع" تفاوت دارد. اما فعلا نمی‌خواهم وارد این جزئیات بشوم. توضیحات بیشتر در این رابطه را به فصل بعد موکول می‌کنم. فعلا فرض می‌کنم که مخترع، همان مالک اختراع نیز هست. بنابراین شما با ثبت رسمی ایده‌ی خود و اخذ گواهینامه‌ی مالکیت آن، حقی انحصاری برای خود ایجاد می‌کنید؛ به این معنی که هیچکس غیر از شما از تاریخ ثبت به مدت ۲۰ سال اجازه‌ی استفاده و ساخت آن را به هر شکلی ندارد.

اگر شما با هدف انحصاری کردن ایده‌ی خود آن را ثبت می‌کنید، احتمالا یا خودتان تولید کننده هستید و امکانات کافی برای تولید انبوه محصول را در اختیار دارید و یا اینکه مخترعی هستید که به عنوان طراح برای یک شرکت تولید کننده فعالیت می‌کنید. در این صورت هدف شما از ثبت اختراع، تولید آن محصول است و انحصاری بودن حق تولید آن برایتان بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

برای این منظور مهم است که بدانید بازار هدف شما برای فروش محصول کجاست. اگر محصول خود را صرفا در ایران به فروش می‌رسانید، ثبت اختراع آن در ایران کفایت می‌کند. اما اگر قصد دارید آن را برای کشوری خاص صادر کنید، باید اختراع خود را در آن کشور به ثبت برسانید. ثبت اختراع شما در ایران، صرفا حق انحصاری آن را در ایران برایتان ایجاد می‌کند. در این صورت

احتمال کمی برداری از محصول شما در کشور مقصد وجود دارد. از طرفی دیگر اگر شما نگاه وسیع تری دارید و احتمال می‌دهید در آینده محصول خود را به کشورهای مختلفی صادر کنید، ثبت اختراع در کشورهای گوناگون منطقی به نظر نمی‌رسد. برای حل این مشکل، عهدنامه‌ای تحت عنوان معاهده‌ی PCT بین حدود ۱۴۰ کشور جهان تنظیم شده است و طبق این قرارداد، "ثبت اختراع بین المللی" تعریف شده است. شما با ثبت اختراع بین المللی، حق انحصاری تولید و فروش ایده‌ی خود را در ۱۴۰ کشور دنیا در اختیار خواهید داشت. از این منظر، حتی اگر به تولید محصول نپردازید، صرف برگی ثبت اختراع تان به منزله‌ی گنج گرانبها و وسوسه کننده ایست که تولید کنندگان را جذب می‌کند تا این حق انحصاری را از شما خریداری نمایند و البته اکنون از تولید کنندگانی صحبت می‌کنیم که ممکن از هریک از این ۱۴۰ کشور باشند و مشتری اختراع شما باشند. این دومین انگیزه است که در بخش بعدی بیشتر به آن می‌پردازیم.

ممکن است اختراع شما، لزوماً یک محصول نباشد. به این معنی که شما یک دستگاه خاص اختراع کرده‌اید که بخش خاصی از فرآیند تولید یک محصول را انجام می‌دهد و به واسطه‌ی این دستگاه توانسته‌اید آن محصول را برای اولین بار تولید کنید و یا قیمت تمام شده‌ی آن را بسیار کاهش دهید. در این صورت قصد ندارید آن دستگاه را تولید انبوه کنید. اتفاقاً ترجیح می‌دهید که فقط و فقط یک عدد از آن دستگاه را بسازید و صرفاً در خط تولید خودتان از آن استفاده کنید. آنچه که برای شما موجب سودآوری می‌شود، محصول فرعی

است نه خود دستگاہ. در این صورت باید توجه داشته باشید که شما با ثبت یک اختراع، گرچه مالکیت انحصاری آن را در اختیار می‌گیرید، اما در عین حال تکنولوژی خود را فاش کرده‌اید. تکنولوژی اختراعی شما فاش می‌شود تا بعد از گذشت ۲۰ سال، به عنوان یک محتوای علمی در اختیار عموم جامعه باشد. شاید شما تمایلی به فاش شدن ایده‌ی خود نداشته باشید. شاید پیش بینی می‌کنید که محرمانه باقی ماندن آن ایده، بیش از ۲۰ سال برایتان سودآوری خواهد داشت. در چنین شرایطی لزوماً به شما ثبت کردن اختراع را توصیه نمی‌کنم. بهتر است پیش از تصمیم به ثبت و فاش کردن چنین اختراعی، شرایط را دقیق بسنجید. این را هم در نظر بگیرید که آیا می‌توانید بیش از ۲۰ سال ایده‌تان را محرمانه نگه دارید؟ و آیا در این مدت، این ایده به ذهن شرکت‌های رقیب نخواهد رسید؟ آیا ممکن است شما سعی در محرمانه نگه داشتن ایده داشته باشید و شخص دیگری که این ایده به ذهنش رسیده است، اقدام به ثبت آن اختراع نماید؟ در این صورت او مالک اختراع خواهد بود. گرچه شما نیز آن ایده به ذهن‌تان رسیده و حتی زودتر هم رسیده است، اما اولین کسی که اقدام ثبت اختراع کرده، مالک اختراع شده است و آنگاه متوجه شود که شما از اختراع وی بدون اجازه استفاده می‌کنید، می‌تواند مسئله را قانونی پیگیری کند و شما را مجبور به پرداخت خسارت کند.

با این تفاسیر فکر می‌کنم کاملا متوجه ارزش مالکیت انحصاری اختراع شدید. اما ممکن است شما جزو این دسته از افراد نباشید. پس به ادامه‌ی مطلب توجه فرمایید.

## ۲- کسب درآمد از فروش ایده

هیچ اشکالی ندارد که انگیزه‌ی شما از ثبت اختراع، انگیزه‌ی مالی باشد. ممکن است شما یک فرد عادی باشید که امکانات تولید انبوه ایده‌ی خود را ندارید و شاید حتی تخصصی هم در این زمینه نداشته باشید. ممکن است اصلا تمایلی به تولید ایده‌ی خود نداشته باشید. در عین حال همواره ایده‌های ارزشمندی در ذهن خود داشته و دارید که فقط به سبب آشنا نبودن با فرآیند ثبت اختراع، از آن‌ها صرف‌نظر می‌کنید و اگر اطلاع کافی از این روند داشته باشید بخواهید با ثبت و فروش اختراع، کسب درآمد داشته باشید. البته فروش اختراع با فروش یک کالا بسیار متفاوت است. در وهله‌ی اول باید اطلاع داشته باشید که تغییر اسم شخص مخترع در گواهینامه‌ی ثبت اختراع، یا اصلا ممکن نیست و یا بسیار دشوار است. پس عموما حق انحصاری اختراع به صورت وکالتی واگذار می‌شود و همچنان اسم شما به عنوان مخترع در گواهینامه باقی می‌ماند. از طرف دیگر ایده‌ی شما باید بتواند به لحاظ اقتصادی تولید کننده را ترغیب به خرید حق انحصاری آن کند. پس صرف دانشی که در اختراع به خرج رفته است و صرف جدید بودن آن و حتی تایید آن توسط داوران اختراع، دلیل کافی



برای جذب خریدار نخواهد بود. اختراعات زیادی به ثبت رسیده‌اند که امکان فروش آن‌ها فراهم نشده است و تولید کنندگان، مجاب به خریدن آن‌ها نشده‌اند.

از طرف دیگر پس از آنکه ایده‌ی خود را ثبت کردید، این کار لزوماً به این معنا نیست که اختراع شما در معرض دید تولید کنندگان قرار می‌گیرد. من تاکنون تولید کننده‌ای را ندیده‌ام که برای حل مشکل خود، سایت اینترنتی اداره‌ی ثبت اختراع را باز کند و به دنبال اختراعاتی بگردد که این مشکل را قبلاً حل کرده‌اند و بخواهد آن اختراع را خریداری نماید. شما خودتان باید برای معرفی ایده‌ی خود به بازار تولید، تلاش کنید. یکی از راه‌های معرفی اختراعات، شرکت کردن در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های مرتبط است.

اگر شما چنین آینده‌ای را برای ایده‌ی خود متصور هستید، باید بدانید اولین شرط اساسی برای آنکه ایده‌ی شما مشتری داشته باشد و به فروش برسد آن است که توجیه اقتصادی داشته باشد. شما پیش از آنکه در راه ثبت اختراع قدم بردارید، نیازمند امکان‌سنجی اقتصادی ایده‌ی خود هستید که هرچه تخصصی‌تر و علمی‌تر صورت پذیرد و در درجه‌ی اول خودتان را به لحاظ اقتصادی متقاعد نماید که ایده‌ی سودآوری است، می‌توانید اطمینان بیشتری از فروش ایده‌ی خود در آینده داشته باشید. اگر در قدم اول به صورت علمی امکان‌سنجی اقتصادی را انجام دادید، آن را به صورت کتبی و مدون تهیه نمایید

و برای آن طرح توجیه اقتصادی (Business Plan) بنویسید و مدارک تهیه شده را برای ارائه به مشتریان احتمالی نگهداری نمایید.

دفتر حقوقی مختلفی در شهرهای بزرگ وجود دارند که شما می‌توانید با مراجعه به آن‌ها و ارائه‌ی اختراع، راهی برای فروش آن بیابید. البته توصیه نمی‌کنم که پیش از تشکیل پرونده در سایت رسمی اداره‌ی ثبت اختراع، آن را برای دیگران فاش نمایید. با این حال همواره ممکن است برای شروع به تشکیل پرونده و اقدامات بعدی، نیاز به مشورت با افراد متخصص داشته باشید و بخواهید اختراع خود را فاش نمایید. در فصل بعد راجع به این موضوع که چه جاهایی مجاز به فاش کردن اختراع پیش از ثبت آن هستیم، صحبت خواهیم کرد.

### ۳- کسب وجهه‌ی مثبت اجتماعی و رزومه سازی

تعداد کثیری از افرادی که اقدام به ثبت اختراع می‌نمایند، دانشجویان رشته‌های مختلف مهندسی و حتی غیر مهندسی هستند. برای دانشجویان اغلب رشته‌های تحصیلی، داشتن گواهینامه‌ی ثبت اختراع مزیت بزرگی محسوب می‌شود. من به عنوان عضو کوچکی از مجموعه‌ی مخترعین ایران، ثبت حداقل یک اختراع را به دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی اکیدا توصیه می‌کنم.

افرادی با شرایط این چنینی، لزوماً قصد تولید اختراع را ندارند. همانطور که در عنوان این بخش آورده‌ام، هدف از ثبت اختراع برای این دسته از افراد،

کسب وجهه‌ی مثبت اجتماعی و ایجاد رزومه‌ای قوی برای مقاصد بزرگتر در آینده است. شناخته شدن شما به عنوان مخترع، وجهه‌ی شخصیتی بسیار خوبی از شما در ذهن دیگران ایجاد می‌کند. چه بسا خود شما نیز تصور خاص و جالبی از شخصیت یک مخترع در ذهن دارید. این وجهه‌ی شخصیتی یک سند و مدرک فیزیکی نیست که به شما بگویم در فلان اداره برایتان کاربرد دارد. اما جالب است بدانید که جدا از برگه‌ی گواهینامه‌ی ثبت اختراع که به طور رسمی کاربرد دارد، صرف داشتن عنوان "مخترع" کاربرد های جالبی برایتان خواهد داشت. البته قرار نیست شما از این عنوان سوء استفاده نمایید. اما دیگران به طور ناخودآگاه بر روی شما حساب ویژه‌ای باز می‌کنند. این وجهه‌ی مثبت به خودی خود و بدون ارائه‌ی سند رسمی ثبت اختراع، برای شما در ازدواج، سربازی، اشتغال، دوست یابی و در خیلی دیگر از مقولات دیگر زندگی به کارتان خواهد آمد. حتی در رشد شخصیتی خود شما نیز می‌تواند موثر باشد. چراکه ثبت حداقل یک اختراع رسمی، اعتماد به نفس شما را بسیار بالا می‌برد.

اما مسئله‌ی دیگری که ممکن است انگیزه‌ی اصلی شما از ثبت اختراع باشد، رزومه سازی است. این انگیزه گرچه بسیار از هدف اصلی ثبت اختراع به دور است، اما متأسفانه به جرات می‌توانم بگویم هدف اصلی بیش از ۸۰ درصد افراد از ثبت اختراع می‌باشد. اگر شما در حال جمع‌آوری یک رزومه‌ی تحصیلی خوب هستید و قصد ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر دانشگاهی را دارید، باید توجه داشته باشید ارزش علمی گواهینامه‌ی ثبت اختراع، اگر از ثبت مقاله‌ی بین

المللی بالاتر نباشد، پایین تر نیست. داشتن ثبت اختراع مرتبط با رشته‌ی تحصیلی، برای پذیرش در مقطع دکتری برای شما امتیاز محسوب می‌شود. حتی در ادامه برای جذب شدن در هیئت علمی دانشگاه‌ها، داشتن گواهینامه‌های متعدد ثبت اختراع برایتان مزیت محسوب می‌گردد. از طرفی دیگر ممکن است بخواهید با ارائه‌ی یک رزومه‌ی قوی به دانشگاه‌های تاپ خارجی، بورسیه تحصیلی برای ادامه تحصیل در خارج از کشور دریافت نمایید. گواهینامه‌ی ثبت اختراع، هرچند بین المللی نباشد و فقط در ایران به ثبت رسیده باشد، برای شما بسیار کاربردی خواهد بود و فقط کافیست آن را به صورت رسمی ترجمه و به رزومه‌ی خود پیوست کنید.

یکی دیگر از کاربردهایی که رزومه‌ی شما به عنوان مخترع برایتان خواهد داشت، کسب موقعیت‌های عالی شغلی است. کارفرمایی که به خلاقیت و پیشرفت بها می‌دهد و قدر و منزلت علم و دانش را در پیشبرد کار خود درک می‌کند، قطعاً جذب یک نیروی کار مخترع را برای خود ارزش تلقی می‌کند. بالعکس آن، وقتی کارفرمایی سطح درک و سواد کافی برای همکاری با یک مخترع را ندارد و به شمای مخترع و توانایی هایتان توجهی ندارد، اکیدا توصیه می‌کنم که با وی همکاری نکنید. شما با ثبت کردن اختراع، قرار نیست سطح توقع خود را بالا ببرید. حتی اگر چندین هزار عدد گواهینامه‌ی ثبت اختراع نیز در اختیار داشته باشید، در نهایت شما هم یکی از مردم جامعه هستید و مانند سایرین به اشتغال می‌پردازید. اما مسئله این است که مخترع بودن به شما کمک

می‌کند تا همراه با بالا رفتن اعتماد به نفس و عزت نفس خود، افراد نامناسب را از حیطه‌ی همکاری خود خارج نمایید و با افرادی معاشرت و همکاری داشته باشید که روز به روز به پیشرفت جوانب مختلف زندگی و شخصیت شما کمک می‌کنند. طبیعتاً شما نیز برای چنین کارفرمایی بسیار مفید خواهید بود و هر دو طرف از این همکاری سود می‌برند و راضی خواهند بود. البته شاید بگویید من می‌خواهم خودم با اختراعم کارآفرینی کنم. این بحث دیگری است که در جای خود به آن هم می‌پردازیم. در این قسمت فقط راجع به رزومه‌سازی صحبت کردیم و کاربردهایی که یک رزومه‌ی خوب با پشتوانه‌ی اختراع می‌تواند داشته باشد.

#### ۴- مزایای اختراع در دوره‌ی سربازی

دوره‌ی سربازی برای همه‌ی پسرانی که هنوز آن را سپری نکرده‌اند یک کابوس محسوب می‌شود. البته این حقیقت دارد که بعد از اتمام خدمت سربازی، از آن به نیکی یاد خواهید کرد و سخت‌ترین لحظات آن هم جزو شیرین‌ترین خاطرات زندگی‌تان محسوب خواهد شد. اما با این حال همه‌ی کسانی که به زودی قرار است به خدمت سربازی اعزام شوند در تکاپو هستند تا به نوعی آسان‌تر خدمت کنند. بعضی‌ها به خودشان آسیب می‌زنند تا معافیت پزشکی بگیرند. کسانی را می‌شناسم که بخاطر ترس از سربازی و کسب معافیت، طوری به خودشان آسیب زده‌اند که دچار بیماری‌های خطرناکی همچون سرطان شده‌اند.

بعضی ها به دنبال پارتی بازی هستند و این به معنی ضایع کردن حق کسانی است که هیچ گونه پارتی ندارند. بعضی ها به دنبال امریه در سازمان های دولتی می گردند که خود داستان مفصلی دارد. بعضی ها از کابوس سربازی تن به ازدواج می دهند تا در شهر خودشان خدمت کنند. بعضی ها آنقدر ادامه تحصیل می دهند تا بلکه فرجی حاصل شود! از این قبیل اقدامات برای مقابله با غول بزرگی به نام سربازی در آقایان زیاد دیده می شود. اما آنچه مربوط به بحث ماست این است که بعضی از این افراد هم کسانی هستند که به دنبال مخترع شدن هستند و تصور می کنند وقتی مخترع شوند می توانند سربازی خود را بسیار آسان و به صورت پروژه ای انجام دهند.

اگر بخواهم راجع به همه ی این موارد، تجربیات و دیده های خودم را برایتان نقل کنم باید کتاب جداگانه ای در باب خدمت سربازی بنویسم. اما اگر نظر کلی من را می خواهید، صادقانه توصیه می کنم به هیچ یک از این راه حل ها فکر نکنید و خیلی ساده به خدمت بروید و از آن لذت ببرید. اما با این حال چون مبحث صحبت ما پیرامون ثبت اختراع است، می خواهم مزایا و کاربردهای ثبت اختراع در دوره ی سربازی را را کامل برایتان شفاف سازی کنم.

پیش از هر چیز باید بدانید آنچه که برایتان توضیح خواهم داد، بر اساس قوانین حال حاضر سازمان های مختلف است و ممکن است زمانی که شما در حال مطالعه ی این کتاب هستید، قوانین جدیدی وضع شده باشد که باید دربارهی آن ها تحقیق کنید.

گرچه دوست ندارید این را بشنوید اما بر اساس قوانین کنونی، ثبت اختراع هیچ مزیتی برای شما در خدمت سربازی به ارمغان نمی‌آورد! اما ناامید نشوید. می‌خواهم این موضوع را مفصل و کاربردی تشریح کنم. سالیان سال است که در کشور ما سازمانی به نام "بنیاد ملی نخبگان" تشکیل شده است. شما با صرف داشتن گواهینامه‌ی ثبت اختراع شامل تخفیف خاصی برای دوره‌ی سربازی نمی‌شوید، ولی مخترع بودن یکی از راه‌های ورود به بنیاد ملی نخبگان است. اگر شما توسط بنیاد ملی نخبگان به عنوان نخبه شناسایی شوید، در آن صورت از مزایای نخبگی در خدمت سربازی می‌توانید استفاده کنید. این یعنی چه؟ یعنی ثبت شدن اسم شما در اداره‌ی ثبت اختراعات به تنهایی کافی نیست و برای آنکه نخبه‌ی کشوری محسوب شوید، خودتان باید اقدام کنید. کسی از بانک اطلاعاتی اداره‌ی ثبت اختراع، شما را شناسایی نخواهد کرد. اقدامی که خودتان باید بکنید این است که اختراع خود را به بنیاد ملی نخبگان ارائه دهید و طبق مقررات این بنیاد، مراحل مختلفی را طی کنید تا نخبگی شما احراز شود. من تا حدودی در ادامه بحث را بازتر می‌کنم. اما اگر تمایل دارید که خودتان بیشتر مطالعه کنید که البته توصیه‌ی من هم همین است، سری به سایت بنیاد ملی نخبگان بزنید:

<https://www.bmn.ir>

مخترع بودن با نخبه بودن برابر نیست. اگر کسی شرایط نخبگی را داشته باشد و بنیاد ملی نخبگان با بررسی مدارک وی، این مسئله را تایید نماید،

طبق قوانین همین بنیاد، تسهیلاتی برای ایشان به عنوان نخبه در نظر گرفته می‌شود. یکی از این تسهیلات که موضوع این بخش از صحبت ماست و بسیار جذاب است، تسهیلات خدمت سربازی و کسری خدمت می‌باشد. چنین تسهیلاتی به نخبگان کشور تعلق دارد و نخبگان لزوماً مخترع نیستند. تحت شرایط مختلفی می‌توانید به عنوان نخبه، عضو بنیاد ملی نخبگان شوید. به عنوان مثال رتبه‌های برتر المپیادهای کشوری و جهانی، رتبه‌های برتر کنکور، رتبه‌های برتر دانشگاه‌ها در رشته‌های مختلف، حافظان کل قرآن و امثال این چنین افرادی دارای شرایط عضویت در بنیاد هستند و البته مجدد تاکید می‌کنم که اگر شما شامل هریک از این موارد می‌شوید و هنوز عضو بنیاد ملی نخبگان نشده‌اید، باید بدانید که کسی به دنبال شما نخواهد آمد! باید خودتان به بنیاد مراجعه کنید و مدارک لازمه را ارائه دهید و به نوعی ثبت نام نمایید. مراحل اولیه‌ی آن نیز به صورت اینترنتی انجام می‌شود و با مراجعه به سایت بنیاد همه چیز را متوجه خواهید شد.

اما در گذشته مخترعین کشور می‌توانستند با اخذ تاییدیه علمی اختراع از سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، شرایط نخبگی را احراز نمایند و این مسیر همانند سایر مثال‌هایی که ذکر شد، مسیری بود در راستای عضو شدن در بنیاد ملی نخبگان. اما چند سالی است که قوانین بنیاد اندکی تغییر کرده است و شما حتی با اخذ تاییدیه علمی، که خود داستان مفصلی است، لزوماً نخبه محسوب نمی‌شوید و برای اینکه به عنوان مخترع، نخبه‌ی کشوری



باشید، باید با اختراعتان در جشنواره‌های مختلف بنیاد شرکت کنید و توسط داوران مورد تایید بنیاد، یک بار دیگر اختراع شما مورد قضاوت قرار گیرد. برای شرکت در جشنواره‌های بنیاد (مانند جشنواره خوارزمی) باید علاوه بر کسب گواهینامه‌ی ثبت اختراع، یک نمونه از آن را ساخته باشید و به جشنواره ارسال کنید. بنابراین اگر می‌خواهید از طریق ثبت اختراع، به تسهیلات خدمت سربازی دست یابید، راه سختی در پیش دارید. البته این پایان ماجرا نیست!

از شروع فرآیند ثبت اختراع تا عضویت در بنیاد ملی نخبگان، حداقل یک سال زمان نیاز دارید. پس من طی کردن این مسیر را فقط به دانش‌آموزان کم سن و سال، مثلاً دانش‌آموزان دبستان دوره دوم و دبیرستان دوره اول توصیه می‌کنم. اما آن دسته از مخترعینی که وقت زیادی به اعزام خدمتشان نمانده است، راه ساده‌تر اما با ریسک بیشتری برایشان وجود دارد.

اگر شما مخترع باشید و حداقل یک عدد گواهینامه ثبت اختراع در کارنامه‌ی خود داشته باشید، با اندکی تلاش، شاید بدون عضویت در بنیاد ملی نخبگان بتوانید شرایط مناسبی برای خدمت سربازی دست و پا کنید. برای این منظور، قبل از آنکه به خدمت اعزام شوید، به ارگان‌های مختلف نظامی مراجعه کنید. هرکدام از این ارگان‌ها، واحدی به عنوان "سازمان تحقیقات" یا چیزی شبیه به آن در زیرمجموعه خود دارند. طبیعی است که سازمان‌های نظامی، هرکدام برای تقویت تجهیزات نظامی خود، چنین مجموعه‌هایی را در دل خود داشته باشند. شما با مراجعه به بخش‌های تحقیقاتی سازمان‌های نظامی،

می‌توانید ادعا کنید که یک مخترع هستید و تمایل دارید در طول دوره‌ی سربازی تان که به زودی به آن اعزام می‌شوید، توانایی‌های علمی و نبوغ تان در طراحی و ساخت اختراعات را در اختیار آنان بگذارید. ممکن است از شما بخواهند که یک اختراع نظامی را به عنوان نمونه برای آنان طراحی کنید. تلاش خود را بکنید. به تمامی سازمان‌های مربوطه از جمله ارتش، سپاه، نیروی انتظامی، راهنمایی و رانندگی و ... سر بزنید و توانایی‌های خود را ارائه دهید. حتی اگر بی‌فایده باشد، بعداً در طول دوره‌ی خدمت افسوس گذشته را نخواهید خورد. در هر صورت پس از این اقدامات، شما باید به صورت عادی به خدمت اعزام شوید و پس از گذراندن دوره‌ی آموزشی و مشخص کردن یگان خدمتی، به همکاری با زیرمجموعه‌ی تحقیقاتی آن سازمان ادامه دهید. همانطور که گفتیم، این مسیر همراه با ریسک است. یعنی ممکن است این سازمان‌های تحقیقاتی شما را پذیرش نکنند و در آن صورت به وضعیت معمولی خدمت سربازی باید ادامه دهید. البته در حین خدمت عادی نیز می‌توانید با قبول پروژه‌های علمی و تخصصی پادگان و یگان خدمتی، تخفیفات خوبی در قالب مرخصی از فرماندهان رده بالا بگیرید. در هر صورت آنچه که مهم است بدانید این است که حتی اگر چند صد یا چندین هزار عدد اختراع هم ثبت کرده باشید، کسی با دیدن شما پی به مخترع بودن‌تان نمی‌برد و کسی هم توی اینترنت نمی‌گردد تا بررسی کند که شما مخترع هستید یا نه. این خود شماست که باید توانایی‌هایتان را به دیگران ثابت کنید. همانطور که دیدید، حتی بنیاد ملی نخبگان هم به دنبال شما نخواهد گشت و خودتان باید خود را به بنیاد معرفی کنید.

## ۵- اخذ حمایت های کارآفرینی مانند وام های خاص

ممکن است شما هم اکنون که در فکر ثبت اختراع هستید، یک تولید کننده باشید. این احتمال هم وجود دارد که یک مخترع با انگیزه هستید که قصد دارید با احداث خط تولید اختراعتان، کارآفرینی کنید. در هر دو صورت احتمالا یکی از انگیزه های شما برای ثبت اختراع، اخذ وام های دارای دوره ی تنفس و کم بهره یا بدون بهره و در ارقام بالاتر از معمول است. انتظار غیر معقولی هم نیست. گواهینامه ی ثبت اختراع اعتبار کافی برای اخذ چنین وام هایی را برایتان ایجاد خواهد کرد. اما حمایت هایی که دولت برای مخترعین در نظر می گیرد، تنها به اخذ وام ختم نمی شود. در شهرهای زیادی از کشور، مراکزی تحت عنوان پارک علم و فناوری احداث شده اند که شما با مراجعه به آنها می توانید از خدمات و حمایت های این مراکز بهره ببرید. البته برای شروع بهتر است که گواهینامه ی ثبت اختراع را کسب کرده باشید و نمونه ی اختراع خود را ساخته باشید و با دست پر به آنجا مراجعه کنید. احتمالا در غیر این صورت ناامید خواهید شد! چراکه برای ورود به پارک های علم و فناوری، شما با ارائه ی اختراعتان، درخواست پذیرش می کنید. اما قبول یا مخالفت پذیرش اختراع شما، منوط به بررسی مجدد و به نوعی داوری دوباره در خود پارک علم و فناوری می باشد. شاید تصور کنید اختراع شما قبلا یک بار توسط اعضای هیئت علمی دانشگاه ها مورد داوری قرار گرفته است و داوری دوباره به معنای زیر سوال

بردن قضاوت و توانایی های داوران اداره ی ثبت اختراع است. اما اینطور نیست. اختراع شما در اداره ی ثبت اختراع به لحاظ علمی و جدید بودن مورد بررسی قرار گرفته است. اما پارک علم و فناوری، اختراع شما را به لحاظ اقتصادی می سنجد و بررسی می کند که آیا این اختراع منجر به سودآوری اقتصادی خواهد بود یا خیر. اختراع شما هرچقدر هم که علمی و جدید باشد، اگر در شرایط کنونی بازار تولید آن توجیه اقتصادی نداشته باشد، حمایت از شما فقط منجر به تلف کردن عمرتان خواهد شد.

اما اگر اختراع شما پذیرش شود، چه امکاناتی برای شما مهیا می شود؟ به غیر از اخذ وام های بدون بهره، زمین برای احداث بنای خط تولید، دفتر کار با لوازم اداری، آموزش های بازاریابی متناسب با محصولاتان، معرفی کسب و کار شما به صنایع و جلب مشتری برای شما، در اختیار گذاشتن ماشین آلات و آزمایشگاه ها، کمک به اخذ مجوزهای لازم، معافیت مالیاتی و ... از جمله مزایایی است که توسط پارک های علم و فناوری در اختیار شما قرار خواهد گرفت. با این حال خیلی ذوق زده نشوید! اختراع شما باید از هر نظر خیلی قوی باشد تا بتوانید چنین حمایت هایی را کسب نمایید. برای این منظور، یک بار دیگر نوشتن طرح توجیه اقتصادی را برای اختراعتان توصیه می کنم.

علاوه بر پارک های علم و فناوری و البته مراکز رشد که خدمات مشابهی در دانشگاه ها برای دانشجویان ارائه می دهند، برخی از بانک ها نیز وام هایی تحت عنوان وام کارآفرینی ارائه می دهند که در مقایسه با وام های عادی، شرایط

ایده‌آلی دارند. وقتی شما گواهینامه‌ی ثبت اختراع را در اختیار داشته باشید، جلب نظر بانک‌ها برای اخذ وام خیلی برایتان دشوار نخواهد بود. لذا اگر به عنوان یک تولیدکننده و مالک یک مجموعه‌ی تولیدی در فکر ثبت اختراع هستید و وام‌های این چنینی برای مجموعه‌ی شما مفید واقع می‌شود، ثبت اختراع به اسم شرکت تان را حتماً به شما توصیه می‌کنم. من تاکنون در هر مجموعه‌ی تولیدی که بازدید داشته‌ام، برایشان حداقل یک اختراع را از بین داشته‌های خودشان به ثبت رسانده‌ام. یقیناً در خط تولید شما نیز ایده‌هایی وجود دارند که ارزش اختراع بودن دارند و صرفاً ممکن است شما تاکنون از این زاویه به آن‌ها نگاه نکرده‌اید. اما اگر صرفاً یک فارغ‌التحصیل مهندسی هستید که رویای تولید را در سر دارید، برای احداث خط تولید عجله نکنید. ورود به عرصه‌ی صنعت آسان نیست. تحقیق جامعی برای شروع کار انجام دهید. طرح توجیه اقتصادی را به کمک متخصصین آن تهیه کنید. وضعیت تولیدکنندگان فعلی را در محصولات مشابه بسنجید. نظر اқشار مختلف جامعه را نسبت به اختراع خود به دست آورید. حتی بهترین کاری که می‌توانید انجام دهید این است که توسط تبلیغات و تهیه‌ی درگاه فروش اینترنتی، محصول خود را پیش فروش نمایید. سپس با پول حاصل از آن اقدام به احداث خط تولید کنید و از فروش محصول خود اطمینان داشته باشید. خلاصه گام اول بسیار مهم است و بسیار تخصصی باید پیش بروید. اکیداً توصیه می‌کنم که اگر تخصص کافی در این زمینه ندارید، قدرت ریسک مالی کافی ندارید، همچنین اگر فکر می‌کنید خودتان همه چیز را می‌دانید و نیازی به مشورت گرفتن ندارید، ابداً به احداث

خط تولید فکر نکنید. شاید کسانی را در اطراف خود ببینید که بدون دانش خاصی صرفاً با تهیه‌ی یک دستگاه خاص در حال تولید محصول هستند و درآمد خوبی هم دارند. اما لزوماً این اتفاق برای شما نیز نخواهد افتاد. ضمن اینکه اینگونه افراد صرفاً کسب درآمد می‌کنند و از شرایط کارشان راضی هستند. اما شما به عنوان یک مخترع، قطعاً همیشه در فکر رشد و پیشرفت و گسترش کار هستید و صرفاً کسب درآمد شما را قانع نمی‌کند. پس اگر چشم انداز روشنی برای آینده‌ی کاری که احداث می‌کنید پیش بینی نکرده باشید، خیلی زود از کارتان دلزده خواهید شد. لذا این حرف را از من بپذیرید که احداث خط تولید یک کار تخصصی و تیمی است و نیازی به برنامه ریزی دقیق و علمی دارد. همه‌ی این‌ها را گفتم که بگویم به صرف مخترع شدن و کسب گواهینامه‌ی ثبت اختراع، وسوسه نشوید که با گواهی‌تان وام‌های سنگین بگیرید و اقدام به خرید دستگاه‌های تولیدی و احداث خط تولید کنید. حمایت از شما در حد یک وام بوده است. کسی در پرداخت اقساط آن به شما کمکی نخواهد کرد!

## ۶- سایر مزایای ثبت اختراع

در قسمت‌های پیشین سعی کردم همه‌ی آنچه را که باید درباره‌ی مزایای ثبت اختراع بدانید، بیان کنم تا اگر ذهنیت‌هایی خلاف واقعیت از گواهینامه‌ی ثبت اختراع و مزایای آن دارید، برطرف شوند. اما آنچه که بیان شد حاصل تجربیات من در طول سالیان مختلف کار در این حیطه بوده است. با این

حال ممکن است مزایای دیگری هم از گواهینامه‌ی ثبت اختراع، چه در ایران و چه در سایر کشورها قابل حصول باشد که بنده هنوز با آن‌ها مواجه نشده‌ام و ممکن است برای شما اتفاق بیفتد. از طرفی دیگر، مواردی هم بوده‌اند که به دلیل اهمیت کمتر، از توضیح آن‌ها صرف نظر کردم. به عنوان مثال یکی از ویژگی‌های داشتن گواهینامه‌ی ثبت اختراع این است که مانند هر نوع سند مالکیت دیگری در صورت فوت مخترع به وارثین آن به ارث می‌رسد. یا به عنوان مثالی دیگر، احراز نخبگی در بنیاد ملی نخبگان به عنوان مخترع سطح سه، برایتان مزایایی از جمله اعطای تسهیلات فرهنگی-رفاهی (مانند وام مسکن) نیز به دنبال خواهد داشت. همچنین صندوق حمایت از پژوهشگران کشور به آدرس اینترنتی [www.insf.org](http://www.insf.org) حمایت‌های مختلفی برای اختراعات در نظر گرفته است که پرداخت کمک هزینه برای ثبت بین‌المللی اختراع، یکی از آن‌هاست.

## فصل چهارم:

از کجا شروع کنیم؟



اگر خیلی سریع بخواهم اصل مطلب را بیان کنم، این آدرس سایت اداره‌ی مالکیت معنوی ایران است که اداره‌ی ثبت اختراع، یکی از زیر شاخه های آن است:

[www.iriipo.ssaa.ir](http://www.iriipo.ssaa.ir)

می‌توانید به این سایت مراجعه کنید و طبق راهنمای سایت اقدام به نوشتن اختراعاتان کنید. اما احتمالاً به مشکلات زیادی در این راه بر خواهید خورد. فصل چهارم را به همین منظور نوشته‌ام تا به طور شفاف روند ثبت اختراع را برایتان تشریح کنم و قدم به قدم در کنارتان باشم و تمامی سوالاتی را که به احتمال زیاد برایتان پیش خواهد آمد، پاسخ دهم.

اما می‌خواهم موضوع را از پایه بررسی کنم. شروع فرآیند ثبت اختراع، سایت اداره نیست. شروع این روند جرقه‌ای است که به عنوان یک ایده‌ی جدید در ذهنتان شکل می‌گیرد. این اتفاق برای همه‌ی افراد به دفعات متعدد به صورت پی در پی می‌افتد. اما مشکل اینجاست که کسی به آن‌ها توجهی نمی‌کند. اگر شما احساس می‌کنید ایده‌های زیادی تاکنون داشته‌اید، ولی همچنان مخترع نیستید، علت این است که خودتان برای ایده‌های خودتان ارزشی قائل نیستید.

به محض شکل گیری، آن را خنده دار تلقی می‌کنید و با یک لبخند به باد فراموشی می‌سپارید. اما یک مرحله قبل تر از این هم وجود دارد. چه چیزی باعث ایجاد جرقه‌ی یک ایده در ذهن می‌گردد؟ چه چیزی باعث می‌شود که از قوه‌ی خلاقیت استفاده کنیم؟ از نظر من همه‌ی آدم‌ها خلاق هستند. هرکس خلاف این فکر می‌کند، صرفاً خودباوری و اعتماد به نفس ندارد. خب چه چیزی ما را وادار به استفاده از خلاقیت می‌کند؟ معمولاً در شرایط عادی و روزمره خیلی به دنبال خلاقیت نیستیم. آنچه خلاقیت را به کار می‌اندازد، مشکلات زندگی است. کمبودها و سختی‌ها ما را مجبور به ایجاد ابتکار می‌کنند. لذا من به شخصه کسی را مخترع می‌نامم که می‌تواند به خوبی مشکلات و کمبودها را در اطرافش ببیند. حتی توقع ارائه‌ی راه حل ندارم. هرکسی که فقط مشکلی را پیدا کرده و با من در میان گذاشته است، به طور قطع مخترع شده است! یک جمله‌ی معروف را همیشه به اطرافیانم گفته‌ام و آنقدر این جمله در تفکرات من نهادینه شده است که گاهی اوقات احساس می‌کنم این جمله را اولین بار خودم ابداع کرده‌ام! و آن جمله این است: "محدودیت، خلاقیت می‌آورد."

مسئله‌ای که مطرح کردم به این معنا نیست که از شما بخواهم به جهان اطرافتان دائماً به دیده‌ی بد بینی نگاه کنید و صرفاً به دنبال مشکلات بگردید. جهان آفرینش سراسر زیبایی و شگفتی است و هرکسی که صرفاً زیبایی در نگاه و تفکر او باشد، از لحظه لحظه‌ی جهان عالم لذت می‌برد. من حرفم این است که این نگاه زیبا را به مشکلات پیرامون مان نیز گسترش دهیم. هم می‌توان در

برابر مشکلات تأسف خورد و هم می‌توان آن‌ها را تبدیل به فرصت‌های طلایی زندگی کرد. پس جمع بندی صحبت تا اینجا این است: قدم اول برای مخترع شدن، پیدا کردن مشکلات روزمره‌ی زندگی و نگاه ارزش باور به آن‌هاست.

اما منظور از مشکلات چیست؟ اختراع یک بحث علمی و تخصصی است. چگونه من از مشکلات روزمره صحبت می‌کنم؟

مشکلات روزمره برای هر شخصی با شخص دیگر متفاوت است. نگاه افراد به این مشکلات نیز متفاوت است. به عنوان مثال اگر یک شخص بیمار در خانواده ای باشد که خورد و خوراک او نیاز به کنترل داشته باشد، شاید اطرافیان به فکر اختراع دستگاهی بیفتند که قبل از بیمار، غذا را بچشد و محتویات آن را تحلیل کند. این فکر ممکن است به ذهن هریک از اعضای خانواده (صرف نظر از رشته‌ی تحصیلی آنان) برسد. اما کسی که تفکراتش سمت و سوی خاصی دارد، مشکلات روزمره را طور دیگری می‌بیند. مثلاً رئیس یک کارخانه که بخشی از خط تولید خود را به پیمانکاران خارجی سپرده است، زمانی که محصول را با تأخیر دریافت می‌کند، این را یک مشکل روزمره‌ی خود تلقی می‌کند و به فکر ساخت دستگاهی می‌افتد که بتواند نیازش را در داخل کارخانه تأمین کند. یک معلم مشکل روزمره‌ی خود را سر و کله زدن با دانش‌آموزان شر کلاس می‌داند و به فکر ساخت یک وسیله‌ی کمک آموزشی جذاب می‌افتد تا شلوغ‌ترین دانش‌آموزان را نیز جذب تدریس خود کند. هرکسی از زاویه‌ی دید خود و به فراخور مشکلاتی که با آن‌ها مواجه می‌شود، ایده‌هایی هم به ذهنش می‌رسد که گاهی

این ایده ها منحصر به فرد هستند و در تعریف علمی اختراع می‌گنجد. فکر می‌کنم برای چندمین بار است که می‌خواهم یادآوری، تأکید و خواهش کنم که ایده‌های خود را خنده دار تلقی نکنید. آن‌ها را یادداشت کنید و لیست تهیه کنید. آن وقت اگر نخواستید خودتان مخترع شوید، لیست تان را به من بدهید! شما با آن لیست کلی می‌خندید و من با آن لیست کلی اختراع ثبت می‌کنم! می‌توانید امتحان کنید! خنده دار ترین ایده ها نیز قابلیت اختراع شدن دارند. هیچوقت ایده‌ای که در لحظه‌ی اول به ذهنتان می‌رسد یک اختراع نیست. ایده‌ی اولیه به صرف اینکه جدید باشد ارزشمند است و همین کافیست. این شما باید که باید آن را ساخته و پرداخته کنید. شاید بگویید من تخصص کافی برای تکمیل ایده‌ی خود ندارم. اشکالی ندارد. آن را با افراد متخصص در میان بگذارید. طراحی دستگاه مد نظر شما، لزوماً قرار نیست توسط خود شما انجام شود. شما به صرف پیدا کردن ایده، یک مخترع هستید. بقیه‌ی موارد را می‌توانید با صرف مقداری هزینه به دیگران بسپارید. نا امید نشوید. شاید با شخصی مثل من هم در این راه آشنا شدید. به جرأت می‌توانم بگویم بیش از ۳۰ مورد مشاوره و حتی طراحی اختراع را برای دیگران بدون گرفتن هزینه، به صورت رایگان انجام داده‌ام. آنچه برای من ارزشمند بوده، ثبت شدن آن اختراع و موفقیت آن شخص بوده است و اینکه بتوانم مخترع جدیدی را به جامعه‌ی مخترعین کشور معرفی نمایم. اشخاص با ثبت اولین اختراشان، تازه اعتماد به نفس پیدا می‌کنند و این زمینه ساز اختراعات بعدی شان می‌شود. این برای من ارزشمند است. پس شما هم حتی اگر پول کافی ندارید، عاجزانه خواهش می‌کنم ایده

هایتان را به فراموشی نسپارید. شاید ایده‌ی شما، در آینده مشکلات بزرگی را از زندگی مردم حل کند. این فکر را هم از سر بیرون کنید که اگر من ایده‌ام را اختراع نکنم، به ذهن بقیه هم می‌رسد. این اتفاق حتما می‌افتد، اما شاید ۱۰۰ سال دیگر! یعنی شما با کنار گذاشتن ایده‌تان، ممکن است تا ۱۰۰ سال مردم را از وجود آن محروم کنید. پس به این مسئله جدی‌تر فکر کنید. علم‌آمار و احتمال می‌گوید که ایده‌ی جدیدی که اکنون در ذهن شماست، به طور همزمان به ذهن شش نفر دیگر نیز در سراسر دنیا رسیده است. اما به نظر من آنچه که در اکثر مواقع اتفاق می‌افتد این است که هر شش نفرتان به آن ایده می‌خندید و آن را بی‌اهمیت تلقی می‌کنید. اگر غیر از این بود، همه‌ی مردم دنیا مخترع می‌شدند. اینگونه است که یا پیگیری نکردن آن، مردم را از نعمت وجود آن تا سال‌ها بعد محروم می‌کنید. مثال بارزی از آن را در داستان توماس ادیسون در ماجرای اختراع لامپ در فصل ششم آورده‌ام.

اما قدم دوم چیست؟ قدم دوم مکتوب کردن اختراع و نوشتن آن در قالب مورد نظر اداره‌ی ثبت اختراعات کشور هدف است. در ایران و در شرایط حال حاضر، برای تشکیل پرونده در اداره‌ی ثبت اختراع باید سه فایل مختلف را به صورت اینترنتی ارسال نمایید. این سه فایل شامل ادعانامه، توصیف اختراع و نقشه‌های فنی اختراع می‌باشد. در توصیف اختراع، بخشی به عنوان «خلاصه توصیف اختراع» وجود دارد که در گذشته به عنوان فایل چهارم تهیه می‌شد و اکنون به دلایلی اداره ترجیح داده است که خلاصه‌ی اختراع و توصیف اختراع

هر دو در قالب یک فایل در سایت بارگذاری شوند. اما تجربه بنده با این مکانیزم جدید حاکی از آن بود که در نهایت امر، همچنان ناچار به ارائه فایل جداگانه خلاصه اختراع خواهیم بود. لذا پیشنهاد من این است که در همان ابتدای کار، خلاصه اختراع را در قالب فایل چهارم به صورت جداگانه نیز تهیه کنید و برای اداره ارسال نمایید.

علاوه بر اینکه نمونه‌ی خام این فایل ها را می‌توانید از سایت اداره ثبت اختراع دریافت نمایید، من نیز در سایت «ایران اختراع» در اختیارتان قرار داده‌ام. سایت ایران اختراع را با هدف حمایت از مخترعین سراسر ایران راه اندازی کرده‌ام و شما می‌توانید از طریق آن با من در ارتباط باشید. تمامی فایل های مورد نیاز برای نوشتن اختراع، آشنایی با قوانین، مراجع داوری، نمونه های اختراعات دیگران و امثال آن را در این سایت ارائه داده ام و البته خدمات این سایت برایتان پس از ثبت اختراع، بسیار بیش از این خواهد بود:

[www.iranekhtera.com](http://www.iranekhtera.com)

ادعای اختراع معمولاً در یک صفحه‌ی A4 گنجانده می‌شود. اما می‌تواند بیش از آن هم باشد. ادعای اختراع مهم ترین بخش متن اختراع است و تنها برگه‌ای است که در زمان لزوم، وجهه‌ی حقوقی دارد. مثلاً اگر بین دو مخترع شکایت رسمی به وجود آید و قاضی در دادگاه بخواهد آن دو اختراع را مقایسه و قضاوت کند، ادعانامه های هریک را بررسی خواهد کرد. این مسئله به قدری

مهم است که در جایی خواندم بهتر است با یک حقوقدان آن را تنظیم نمایید. البته اگر نظر من را می‌خواهید، با یک مخترع با تجربه آن را در میان بگذارید.

خلاصه‌ی اختراع قوانین خاص خود را دارد. بین ۷۰ تا ۲۰۰ کلمه باید تنظیم شود. با عنوان اختراع شروع شود. به طور اجمالی رشته‌ی تخصصی مرتبط با آن و مشکلی که قرار است حل بکند، مطرح شود. شامل مزایای اختراع نباشد و از این قبیل مقرراتی که برای یکپارچه سازی و هم شکل بودن، همه‌ی مخترعین باید آن را رعایت کنند. بدیهی است که محتوای خلاصه‌ی اختراع نیز در یک صفحه A4 جا می‌شود که در فرمت جدید، در آخرین صفحه‌ی توصیف اختراع قرار گرفته است. با این حال بهتر است که به صورت یک فایل جداگانه نیز تهیه و ارائه شود.

توصیف اختراع طولانی ترین بخش اختراع است. شما در این قسمت باید همه چیز را شفاف بیان کنید. محدودیتی از نظر تعداد صفحات وجود ندارد. ممکن است شما بتوانید در دو صفحه‌ی A4 اختراع خود را به طور کامل توضیح دهید و نیز ممکن است توضیح اختراعاتان بیش از ۲۰ صفحه هم طول و تفسیر داشته باشد. معمولاً اکثر اختراعاتی که من با آن‌ها مواجه بوده‌ام، در قسمت توصیف اختراع چیزی بین ۵ تا ۱۰ صفحه توضیح داشته‌اند. به نظر من همین مقدار توضیح هم کافیست. اختراعاتی طولانی می‌شوند که واقعا پیچیدگی خاصی دارند و تشریح کردنشان مفصل است. اما اختراعی که می‌شود آن را مختصر تر توضیح داد، دلیلی ندارد که فکر کنید طولانی شدن متن اختراع برایتان امتیاز

محسوب می‌شود. برعکس من فکر می‌کنم زیاده گویی اثر خوبی بر روی داور نخواهد داشت. پس ارزش اختراعتان را با تعداد صفحات نسنجید و مطمئن باشید که داور هم اختراع شما را بر اساس تعداد صفحات آن قضاوت نخواهد کرد.

در توصیف اختراع، تیتروهای زیر را لزوما باید لحاظ کنید. مجاز به اضافه کردن تیتروهای دیگری نیستید و هرآنچه قرار است بیان شود را در قالب همین تیتروها بیان کنید. البته در صورت نیاز، برای مرتب تر کردن نگارستان، می‌توانید زیر تیتروهای لازم را به دلخواه اضافه کنید. اما چارچوب تیتروهای اصلی الزاما به همین شکل است:

- ۱- عنوان اختراع
- ۲- زمینه فنی اختراع
- ۳- مشکلات و بیان اهداف
- ۴- شرح وضعیت دانش پیشین
- ۵- دانش موجود و راه حل ارائه شده
- ۶- توضیح اشکال، نقشه ها و نمودارها (در صورت وجود)
- ۷- بیان واضح و دقیق مزایای طرح
- ۸- ذکر صریح روش اجرایی
- ۹- ذکر صریح کاربرد صنعتی
- ۱۰- خلاصه‌ی توصیف اختراع



در قسمت اول برای اختراعاتان یک اسم انتخاب می‌کنید. در قسمت دوم صرفاً بیان می‌کنید که اختراع شما به کدام رشته‌ی تخصصی دانشگاهی مربوط می‌شود. بر اساس این توضیح شما، مرجع داوری تصمیم می‌گیرد که اختراع شما را به داور کدام رشته‌ی دانشگاهی بسپارد. اما بلافاصله پس از این دو بخش کوتاه، اولین چیزی که باید به طور مفصل توضیح دهید این است که اختراع شما چه مشکلی را قرار است حل کند؟ این دقیقاً همان چیزی است که برایتان توضیح دادم و گفتم که شما با پیدا کردن مشکلات اطرافتان و نگاه خلاقانه به آن‌ها، مخترع هستید. اداره‌ی ثبت اختراع نیز اولین توقعی که از شما دارد این است که توضیح دهید شما با چه مشکلی مواجه شده‌اید که پایه و اساس اختراعاتان شده است و اکنون اختراع شما چقدر به حل این مشکل کمک می‌کند؟

در قسمت چهارم شما باید توضیح دهید که قبل از شما چه تلاش‌هایی برای حل مشکلی که مطرح کردید، شده است. باید تمامی راه‌حل‌هایی را که تاکنون دانشمندان سراسر دنیا به کار بسته‌اند را بررسی کنید و نشان دهید که راه‌حل شما چیز جدیدی است که تاکنون در هیچ‌جای دنیا به آن پرداخته نشده است. برای آنکه کارهای پیشین را بررسی کنید، جستجوی عادی در اینترنت ملاک خوبی نیست. ابتدا به سایت اداره ثبت اختراعات ایران مراجعه کنید و از قسمت جستجو، کلمات کلیدی اختراعاتان را با دقت جستجو کنید. همه‌ی اختراعات مشابهی که قبلاً ثبت شده‌اند را با ذکر شماره‌ی ثبت، در متن

توصیف اختراعاتان بیاورید و از اختراع خودتان در برابر آن ها دفاع کنید. یعنی دلایل برتری اختراعاتان را توضیح دهید. اگر اختراع شما برتری خاصی ندارد و خودتان هم قانع نمی‌شوید که اختراع شما چیز جدیدی است، ادامه دادن به مراحل ثبت اختراع بی فایده است. اختراع باید در سطح دنیا جدید باشد. اگر اختراع شما جدید نیست، دیگر اختراع نیست و شما قادر به ثبت آن نخواهید بود. اینجا تنها جایی است که به شما توصیه می‌کنم اختراعاتان را فراموش کنید و به فکر اختراع دیگری باشید. پیگیری برای ثبت یک ایده‌ی تکراری کار بیهوده- ای است و فقط وقت و هزینه‌ی شما را تلف خواهد کرد.

اما جستجو در اختراعات ایران کافی نیست. اگر اختراع شما در اختراعات ایرانی تکراری نیست و کسی قبلا آن را ثبت نکرده است، اکنون وقت آن است که ایده‌ی خود را در بین اختراعات بین‌المللی جستجو کنید. مجدد تاکید می‌کنم که اگر اختراع مشابهی در این جستجو ها پیدا می‌کنید که اختراع شما نسبت به آن برتری دارد، آن مورد مشابه را در توصیف اختراعاتان اسم ببرید و مزایای ایده‌ی خود را نیز توضیح دهید. اما اگر اختراعی پیدا کردید که عینا ایده‌ی شما بود یا از ایده‌ی شما کامل تر و بهتر بود، دیگر به ثبت اختراعاتان ادامه ندهید. تنها کاری که در این شرایط می‌توان کرد این است که به این فکر کنید که آیا می‌توانید اختراعاتان را بهبود ببخشید یا خیر. اگر می‌توانید اختراعاتان را به گونه‌ای کامل تر کنید که از اختراع ثبت شده‌ی مشابه، کامل تر و مفید تر باشد، در آن صورت می‌توانید ادامه دهید. اما اگر اختراعات از پیش

ثبت شده کامل و بی نقص بودند، به فکر ایده‌ی دیگری باشید. حال اختراعات بین‌المللی را چگونه جستجو کنیم؟

موتور جستجوی گوگل قابلیت‌ی تحت عنوان Google Patents دارد که کلمه‌ی مورد نظر شما را فقط در اختراعات ثبت شده‌ی سراسر دنیا جستجو می‌کند. البته این موتور جستجو ناقص است و همه‌ی ادارات ثبت اختراع کشورهای مختلف را پوشش نمی‌دهد. اما با این حال می‌توانید به آن استناد کنید.

<https://patents.google.com/>

یکی دیگر از منابعی که به طور گسترده اختراعات سراسر دنیا را پوشش می‌دهد، سازمان جهانی مالکیت فکری<sup>1</sup> WIPO است. ثبت هرگونه اختراع یا علامت تجاری در این سازمان، در بیش از ۱۴۰ کشور دنیا رسمیت دارد که کشور ایران هم یکی از اعضای آن است. جستجوی اختراعات مشابه ایده‌ی شما در مجموع موتورهای جستجوی Google Patents و WIPO کافی است و تقریباً به همه‌ی اختراعات جهان از این طریق دست خواهید یافت. این لینک موتور جستجوی سازمان جهانی مالکیت فکری است:

<https://patentscope.wipo.int>

---

<sup>1</sup> World Intellectual Property Organization

اخیرا اداره ثبت اختراع یک فایل راهنما در قالب پی دی اف تهیه و درباره‌ی چگونگی نوشتن متن اختراع راهنمایی کرده است. برای قسمت دانش پیشین، علاوه بر سه موتور جستجویی که من در اینجا توضیح دادم، چند موتور جستجوی دیگر را نیز معرفی کرده است. اگرچه من خیلی توصیه نمی‌کنم بیش از این‌ها ذهننتان را درگیر جستجوی اختراع کنید و همان سه موتور قبلی کفایت (دو موتور خارجی به همراه موتور جستجوی اداره ثبت اختراع ایران)، اما وظیفه‌ی خود می‌دانم که آنچه را اداره ثبت ارائه کرده است، من نیز برایتان ارائه دهم تا چیزی از قلم نیفتد. سایر موتور های جستجوی اختراع پیشنهاد شده توسط اداره از این از این قبیل است:

<http://worldwide.espacenet.com/patents/process/search/index.jsp>

<http://www.uspto.gov/patents/process/search/index.jsp>

<http://www.freepatentsonline.com/search.html>

<https://www.lens.org/lens/>

ادامه‌ی روند نوشتن توصیف اختراع پیچیدگی خاصی ندارد و بر اساس نمونه اختراعات نوشته شده ای که برایتان در سایت ایران اختراع گذاشته ام و فایل توضیحات اداره که آن نیز در این سایت در دسترس است، می‌توانید متن اختراعاتان را بنویسید.

آخرین بخش باقی مانده از فایل های اختراع، نقشه‌ی فنی اختراع می-باشد. این تنها بخشی است که اگر خودتان تخصص لازم را برای ترسیم آن نداشته باشید، چاره ای جز کمک گرفتن از افراد متخصص ندارید. البته اگر همچنان تمایل دارید همه‌ی کار را خودتان انجام دهید و در عین حال توانایی مدل سازی سه بعدی اختراعتان را ندارید، پیشنهاد می‌کنم به صورت دستی و به شکلی که کاملاً گویا باشد، خودتان ترسیمی از اختراع داشته باشید تا داور بتواند طرح مورد نظر شما را در ذهن خود مجسم کند. تأکید می‌کنم که در این صورت، باید ترسیمتان بسیار واضح و گویا باشد.

اکنون فرض می‌کنم که شما سه فایل اختراعتان را آماده کرده اید که شامل ادعای اختراع، توصیف اختراع و نقشه‌های فنی اختراع بود (و البته فایل جداگانه‌ی خلاصه‌ی اختراع، فایل چهارم است). حال سایت اداره ثبت اختراع را باز نمایید:

از لیست سمت چپ، ثبت اظهارنامه‌ی اختراع را انتخاب نمایید تا وارد صفحه‌ی زیر شوید:



The screenshot shows the website of the Iranian Intellectual Property Office. At the top, there is a header with the Iranian flag on the left, a central logo featuring a scale of justice and the text 'دفتر ثبت اختراع و علائم تجاری' (Office of Patent and Trademark Registration), and portraits of two religious leaders on the right. Below the header is a navigation menu with links for 'صفحه اصلی' (Home), 'مرکز مالکیت معنوی' (Intellectual Property Center), 'اختراع' (Patent), 'طرح صنعتی' (Industrial Design), 'علامت تجاری' (Trademark), and 'نشان جغرافیایی' (Geographical Indication). A 'Login' link is also present.

The main content area is titled 'ENGLISH' and 'متقاضی محترم ثبت اختراع.' (Dear Applicant). It contains the following text:

توجه داشته باشید کلیه درخواست های ثبت اختراع تنها از طریق ثبت اظهارنامه الکترونیکی و از طریق این سایت قابل بررسی می باشند.

قبل از ثبت اظهارنامه اختراع بایستی تصویر مدارک هویتی (شناسنامه و کارت ملی برای اشخاص حقیقی) و تصویر مدارک لازم برای اشخاص حقوقی (مثل وکالتنامه، آگهی روزنامه رسمی ... ) و ضمایم اظهارنامه را تهیه نمایید.

ضمایم اظهارنامه اختراع شامل توصیف اختراع و خلاصه توصیف اختراع، ادعایه و نقشه های فنی اختراع می باشند که باید به صورت فایل های مجزا تهیه شده و ضمیمه اظهارنامه گردند.

برای دریافت قالب فایل های توصیف اختراع و ادعایه اظهارنامه بر روی پیوندهای زیر کلیک نمایید و حتماً از قالب های زیر برای تهیه ضمایم اظهارنامه استفاده نمایید.

There are three buttons with download icons:

- قالب خام ادعایه (Raw Claim Form)
- قالب خام توصیف اختراع (Raw Description Form)
- قالب و راهنمای نویسندگی اختراع (Form and Authoring Guide)

Below these buttons, it says: 'برای ورود به صفحه ثبت اظهارنامه (پس از تهیه مدارک و ضمایم) بر روی گزینه زیر کلیک نمایید.' (Click on the option below to enter the patent registration page after preparing documents and attachments).

At the bottom, there is a large orange button with a document icon and the text: 'ثبت اظهارنامه الکترونیکی' (Electronic Patent Filing).

همانطور که مشاهده می کنید، فایل راهنمای اداره ثبت و همچنین قالب خام متن اختراع، از این صفحه قابل دسترسی است. با انتخاب گزینه‌ی «ثبت اظهارنامه الکترونیکی» وارد صفحه‌ی زیر می شوید:

ورود اعضا ثبت نام متقاضی جدید

تورق‌ها  
بانی ثبت‌نام و مالکیت

صفحه اصلی مرکز مالکیت معنوی جستجو مراجع استعلام آگهی الکترونیکی بررسی های متداول

**ورود اعضا**

نام کاربری

رمز ورود

فراموشی رمز عبور

کد امنیتی: 

تغییر رمز ورود و عکس کد کد

**لینک های مفید**

- ثبت نام
- ورود کاربران
- فراموشی رمز عبور
- تایید حساب کاربری یا کواهی امضا

**# مشاهده راهنما**



**امکانات نرم افزار اندروید:**  
مشاهده لیست اظهارنامه ها  
مشاهده جزئیات اظهارنامه  
مشاهده لیست ایفایه ها  
مشاهده جزئیات ایفایه

نسخه: 1.0.0

دریافت فایل نصبی

ورود به سامانه

این هم یکی دیگر از تغییراتی است که در سامانه ثبت الکترونیکی اظهارنامه در سال ۱۳۹۷ اضافه گردیده است. بر این اساس شما برای تشکیل پرونده در اداره مالکیت معنوی الزاما باید ثبت نام کرده و به عضویت سامانه در آمده باشید. لذا اگر اولین بار است که به این سامانه مراجعه می کنید، بدیهی است که نام کاربری و رمز عبوری ندارید و باید از لیست سمت راست صفحه، گزینه ثبت نام را انتخاب نمایید. مراحل ثبت نام به صورت زیر آغاز می شود:



صفحه اصلی
مرکز مالکیت مهیوی
چستجو
مراجعه استاندارد
آپدیت الکترونیکی
پرسش های متداول

# مشاهده راهنما

### ثبت نام مقاضی جدید

مرحله ۱: تکمیل اطلاعات شخصی
تکمیل اطلاعات اولیه
بارگذاری تصویر
حساب کاربری
مرحله ۵: مشاهده راهنما

**نکات زیر را بخوانید:**

- جهت دریافت کلمه پيامک های مربوط به مرکز مالکیت مهیوی ، چنانچه عضو سرویس ارسال پیامک نمی باشید عدد 5 را به 201212 ارسال نمایید و سپس طبق راهنمای اعلام شده در متن پیامک اقدام نمایید
- هر دکمه،شاسه ملی،کد فراگیر اتباع خارجی برای انجام تمام فرآیندهای اداری خود نیاز دارند تنها یکبار ثبت نام کنند
- در صورتی که قبلا ثبت نام کرده اید ولی گزارزه خود را فراموشی کرده اید اینجا کلیک کنید
- بیشتر از یکبار ثبت نام کردن منجر به بروز خطاهایی در آینده فعالیت های شما می گردد

توضیح: نوع شخص مورد ثبت نام را انتخاب کنید:

- شخص حقیقی - مالک، وکیل، مخترع، طراح
- اشخاص حقوقی - شرکت ها و موسسات غیر تجاری و سازمانی و نهادهای دولتی و غیر دولتی
- اشخاص حقیقی - غیر ایرانی
- اشخاص حقوقی - غیر ایرانی

مرحله ۱: بعدی

**راهنمای کوتاه**

در صورتی که قبلا ثبت نام را انجام داده اید و حساب کاربریتان توسط سازمان تایید شده است می توانید با وارد کردن نام کاربری و رمز عبورتان در صفحه "ورود اعضا" وارد سامانه شوید.

**لینک های مفید**

- « ثبت نام
- « ورود اعضا
- « فراموشی رمز عبور

**نکات زیر را بخوانید:**

- جهت دریافت کلمه پيامک های مربوط به مرکز مالکیت مهیوی ، چنانچه عضو سرویس ارسال پیامک نمی باشید عدد 5 را به 201212 ارسال نمایید و سپس طبق راهنمای اعلام شده در متن پیامک اقدام نمایید
- هر دکمه،شاسه ملی،کد فراگیر اتباع خارجی برای انجام تمام فرآیندهای اداری خود نیاز دارند تنها یکبار ثبت نام کنند
- در صورتی که قبلا ثبت نام کرده اید ولی گزارزه خود را فراموشی کرده اید اینجا کلیک کنید
- بیشتر از یکبار ثبت نام کردن منجر به بروز خطاهایی در آینده فعالیت های شما می گردد

توضیح: نوع شخص مورد ثبت نام را انتخاب کنید:

- شخص حقیقی - مالک، وکیل، مخترع، طراح
- اشخاص حقوقی - شرکت ها و موسسات غیر تجاری و سازمانی و نهادهای دولتی و غیر دولتی
- اشخاص حقیقی - غیر ایرانی
- اشخاص حقوقی - غیر ایرانی

در اینجا اگر به صورت شخصی قصد عضویت در سامانه را دارید، گزینه «شخص حقیقی» و اگر قصد عضویت با نام شرکت را دارید، «شخص حقوقی» را انتخاب نمایید و گزینه «مرحله ی بعدی» را بزنید. من در اینجا به عنوان نمونه گزینه شخص حقیقی را انتخاب کردم. در مرحله بعد با صفحه زیر مواجه می شوید:

صفحه اصلی - مرکز مالکیت معنوی - جستجو - مراجع استعلام - آگهی الکترونیکی - بررسش های متداول

### ثبت نام متقاضی جدید

راههای کوتاه

در صورتی که فلا ثبت نام را انجام داده اید و حساب کاربرتان توسط سازمان تایید شده است می توانید با وارد کردن نام کاربری و رمز عبورتان در صفحه ورود اطلاعات وارد سامانه شوید.

**لینک های مفید**

ثبت نام  
ورود اعضا  
فراموشی رمز عبور

نام پدر \* نام خانوادگی \* نام \*  
 جنسیت \* مورد \*  
 شماره ملی \* شماره شناسنامه \* تاریخ تولد \*  
 انتخاب کنید \* انتخاب کنید \*  
 رشته فعالیت \* شغل \*  
 انتخاب کنید \* انتخاب کنید \*  
 ایمیل \*  
 آدرس \*  
 استان محل سکونت \* شهر محل سکونت \* کد پستی \*  
 انتخاب کنید \* انتخاب کنید \*  
 آدرس \*

آیا شما وکیل هستید؟ (در صورتی که وکیل هستید می توانید با پر کردن این بخش در لیست مراجع وکلای متضرر قرار بگیرید.)

خیر \*

مرحله ی بعدی ← ← مرحله ی آگهی

آنچه که در این فرم لازم به توضیح است این است که بخش آدرس به صورت اتوماتیک و بر اساس کد پستی پر می شود و برای شما قابل تایپ کردن نیست. لذا اگر کد پستی صحیح منزل یا شرکت خود را نمی دانید، کافیست سری به وبسایت اداره کل جغرافیایی و اطلاعات مکانی کشور بزنید (<https://epostcode.post.ir/>) و به کمک سامانه استعلام کد پستی تحت عنوان «کد یاب»، کد پستی محل مورد نظر خود را به صورت آنلاین استعلام کنید. عکس زیر وبسایت اداره کل جغرافیایی و اطلاعات مکانی کشور را نشان می دهد و سامانه کد یاب نیز در همان صفحه اصلی سایت مشاهده می شود.



در پر کردن فرم اطلاعات شخصی بسیار دقت به خرج دهید. اداره ثبت اختراع در آینده از طریق ایمیل و شماره همراهی که شما به اداره داده اید، با شما در ارتباط خواهد بود. همچنین آدرس پستی شما مهم است که به طور صحیح وارد شود. پس حتما کد پستی را صحیح وارد نمایید. پس از پر کردن این فرم و رفتن به مرحله بعد، نوبت به بارگذاری مدارک شناسایی می‌گردد:

ورود اعضا ثبت نام متقاضی جدید

صفحه اصلی مرکز مالکیت معنوی جستجو مراجع استخدام آگهی الکترونیکی پرسش های متداول

**ثبت نام متقاضی جدید**

رهنمای کوتاه  
در صورتی که قبلا ثبت نام را انجام داده اید و حساب کاربری شما توسط سازمان تایید شده است می توانید با وارد کردن نام کاربری و رمز عبورتان در صفحه ورود اعضا وارد سامانه شوید.

رهنمای گونا  
ثبت نام  
ورود اعضا  
فراموشی رمز عبور

امید حامدناهی  
نوع مدرک : مدارک مثبت هویت مالک حقیقی (کپی شناسنامه و کارت ملی باید در یک صفحه قرار داده شود و فقط یک فایل بیوست گردد)  
پسوند های قابل قبول : PNG , JPEG

ارزانه گد سامانه حساب کاربری بازگشت به سامانه ثبت اطلاعات پایه حساب روح نسبی

مرحله ی بعدی ← مرحله ی قبلی

ارتباط  
« تمامی با ما  
« درباره ی ما

جریم شخصی  
« جریم شخصی  
« شرایط استفاده

محیط کاربری  
« ورود اعضا  
« ثبت نام اعضا

لینک های مفید  
« سازمان ثبت اسناد و املاک کشور  
« مرکز مالکیت معنوی

همانگونه که در اینجا قید شده است، تصویر صفحه اول شناسنامه و کارت ملی شما باید هر دو در قالب یک عکس در سامانه بارگذاری گردند. در قالب یک صفحه ی A4 ، عکس شناسنامه را در بالا و عکس کارت ملی را در پایین صفحه قرار دهید و آن را اسکن نمایید یا به کمک نرم افزارهای ویرایشگر عکس، این کار را انجام دهید.

در مرحله آخر مطابق شکل زیر ایمیل و شماره همراهتان را به عنوان اطلاعات حساب کاربری وارد می نمایید و ثبت نام با زدن دکمه «تایید ثبت نام» به اتمام می رسد.

ورود اعضا ثبت نام متقاضی جدید

صفحه اصلی | علامت تجاری | طرح صنعتی | اختراع | جستجو | درباره ی ما | مجله الکترونیکی | کاری مشاور | تماس با ما

**ثبت نام متقاضی جدید**

در صورتی که قبلا ثبت نام را انجام داده اید و حساب کاربریتان توسط سازمان تایید شده است می توانید با وارد کردن نام ...

**لیک های مفید**

- ثبت نام
- ورود کاربران
- فراموشی نام کاربری
- فراموشی رمز عبور

ایمیل: Email@domain.com

موبایل: 09\*\*\*\*\*

مرحله ی قبلی | تایید ثبت نام

پس از پایان ثبت نام می توانید وارد پنل کاربری خودتان شوید. در این مرحله باید توجه داشته باشید که ثبت نام شما هنوز ناقص است و باید از طریق دفتر اسناد رسمی یا مراجعه حضوری به اداره ثبت اختراع، اقدام به تکمیل ثبت نام نمایید. با این حال در این مرحله می توانید اظهارنامه ی اختراع خود را برای اداره ارسال کنید و پرونده اینترنتی آن را تشکیل دهید. در پنل کاربری خودتان که احتمالا شبیه به عکس زیر است، از بین گزینه های سمت راست، گزینه ثبت اظهارنامه اختراع را انتخاب نمایید:



در این صفحه اگر می‌خواهید مخترع شوید، لزوماً هر آنچه نوشته شده است را باید قبول داشته باشید! با این حال وقتی برای اولین بار اقدام به ثبت اختراع می‌نمایید، حتماً این تعهد نامه را مطالعه کنید. با موافقت این تعهدنامه، روند اداری ثبت الکترونیکی اظهارنامه آگار می‌شود.

ادامه‌ی مراحل پیچیدگی خاصی ندارد و همه چیز برایتان گویا خواهد بود. صرفاً مدارک شناسایی تان را باید از قبل به صورت اسکن شده آماده کرده باشید. آنچه که نیاز است، قرار دادن صفحه‌ی اول شناسنامه و کارت ملی در کنار یکدیگر و در قالب یک عکس است. نگران پرداخت هزینه نیز نباشید. هزینه‌ای که برای ثبت اولیه و تشکیل پرونده پرداخت می‌کنید بسیار ناچیز است. فقط در هر حال باید به صورت الکترونیکی پرداخت کنید و رمز دوم کارت بانکی تان را داشته باشید.

در طی روند تکمیل فرم‌ها، سامانه یک کد رهگیری در اختیار تان می‌گذارد. این کد رهگیری برای این است که اگر به یکباره به مشکل خوردید و صفحه‌ی مرورگر بسته شد یا مثلاً برق قطع شد، دفعه‌ی بعدی لازم نباشد کل اطلاعات را از اول وارد کنید و بتوانید از آنجایی که قبلاً بوده اید ادامه بدهید. اما توجه داشته باشید که این کد رهگیری به معنای تشکیل پرونده نیست و هیچ حقی برای شما ایجاد نمی‌کند. حق انحصاری اختراع از لحظه‌ای در نظر گرفته می‌شود که شماره‌ی اظهارنامه دریافت کرده باشید. به محض تکمیل فرم‌ها و پرداخت هزینه، شماره‌ی اظهارنامه تان مشخص می‌گردد و در صورتی که

اختراعاتان تأیید شود و به ثبت برسد، از همین تاریخی که تشکیل پرونده داده اید مورد حمایت خواهید بود. البته منظورم از حمایت در اینجا دقیقاً حق انحصاری اختراع است که در اختیار شما قرار می‌گیرد و نه هیچ چیز دیگر.

آخرین نکته ای که در این مرحله باید بدانید این است که در خلال تکمیل فرم‌ها از شما درباره‌ی محل داوری اختراع سوال پرسیده می‌شود. شما مختار هستید با توجه به محل زندگی تان مرجع داوری مورد نظرتان را پیشنهاد دهید. اولاً هیچ اهمیتی ندارد که کدام مرجع اختراع شما را داوری کند. در گواهینامه‌ی ثبت اختراع، هیچ اسمی از مرجع داوری به میان نمی‌آید و محل داوری، تاثیری در وجه علمی اختراع شما ندارد. ثانیاً خیلی از مراجع استعمال داوری، تمامی کارهایشان را به صورت اینترنتی انجام می‌دهند و لزومی به مراجعه‌ی حضوری شما نخواهد بود. پس این امکان نیز وجود دارد که به مراجعی غیر از شهر خودتان داوری اختراع را بسپارید. از آنجایی که قیمت داوری اختراع در مراجع مختلف فرق می‌کند، اگر بخواهید با کمترین قیمت اختراعاتان داوری شود، می‌توانید از مراجع مختلف به صورت تلفنی قیمت بگیرید و مرجعی را برای داوری انتخاب کنید که اولاً تخصص لازم برای داوری موضوع اختراع شما را داشته باشد، ثانیاً همه‌ی مراحل را به صورت اینترنتی انجام دهد و نیازی به مراجعه‌ی حضوری شما نباشد و ثالثاً مناسب ترین قیمت را داشته باشد. به این مسئله هم اهمیتی ندهید که ممکن است مرجعی در فلان شهر از مرجعی در فلان شهر سخت‌گیر تر باشد. گرچه سخت‌گیر بودن داور، از فردی به فرد دیگر



می‌تواند تغییر کند، اما از آنجایی که داور صرفاً گام ابتکاری اختراعتان را بررسی می‌کند، چنین چیزی منتفی است و همه‌ی داوران به طرز یکسان اختراع را مورد قضاوت قرار می‌دهند و از این نظر به شما قول می‌دهم که هیچ اهمیتی ندارد اختراعتان را به کدام شهر و کدام داور می‌سپارید.

نکته‌ی دیگری که باید بدانید این است که در غالب موارد، مرجع داوری اسم داور اختراع را فاش نمی‌کند و اصلاً شما با داور ارتباطی نخواهید داشت. البته موارد بسیار نادری وجود داشته‌اند که داور تمایل داشته با مخترع ارتباط داشته باشد و توضیحات بیشتری دریافت کند. اما این مسئله بسیار کم اتفاق می‌افتد و در اکثر موارد حتی اگر اختراع رد شود، مرجع داوری اجازه‌ی دفاع به شما نخواهد داد. این تصور را از ذهن بیرون کنید که برای داوری اختراع یا اعتراض به رد آن می‌توانید به صورت حضوری به مرجع داوری مراجعه کنید و جلسه‌ای با داور داشته باشید. خیلی‌ها با این انگیزه ترجیح می‌دهند که مرجع داوری را در شهر محل سکونتشان انتخاب کنند. لذا لازم دانستم که قید کنم چنین چیزی صحت ندارد. در موارد بسیار بسیار اندکی که ممکن است این اتفاق بیفتد نیز دلیلی برای مراجعه‌ی حضوری وجود ندارد و می‌توان به صورت اینترنتی با داور ارتباط داشت.

پس از تشکیل پرونده و پرداخت هزینه‌ی ثبت اظهارنامه، شماره‌ی اظهارنامه‌ای به پرونده‌ی شما تعلق می‌گیرد. بسیار مهم است که این شماره را یادداشت نمایید. به زودی اداره برایتان به شماری موبایلی که در پرونده درج

کرده اید، پیامکی خواهد فرستاد که شامل همین شماره اظهارنامه و رمز پرونده است. اما گاهی اوقات هم ممکن است این پیامک ارسال نشود یا خیلی با تأخیر ارسال شود. برای همین تأکید می‌کنم که شماره‌ی اظهارنامه‌ای را که پس از پرداخت هزینه دریافت می‌کنید، حتما یادداشت کنید و منتظر پیامک نشوید. در این صورت اگر پیامک به دستتان نرسید، می‌توانید شماره‌ی اظهارنامه را با خط موبایلی که در پرونده بوده، به شماره‌ی اداره پیامک کنید و درخواست دریافت رمز کنید. توضیحات بیشتر در این رابطه را به سایت اداره‌ی ثبت یا سایت ایران اختراع ارجاع می‌دهم. فقط تأکید می‌کنم که در اولین لحظه‌ای که شماره‌ی اظهارنامه را دریافت کردید، آن را یادداشت کنید.

پس از دریافت رمز و مراجعه به سایت اداره، در قسمت «خلاصه پرونده» می‌توانید با وارد کردن شماره اظهارنامه و رمز پرونده، روند اداری ثبت اختراعتان را تا آخرین مراحل به صورت اینترنتی پیگیری کنید. وظیفه‌ی پیگیری پرونده بر عهده‌ی شماست و توقع نداشته باشید که اداره ثبت هر بار به شما ایمیل یا پیامک اطلاع رسانی بفرستد. گرچه اداره این کار را هم می‌کند، اما شما خودتان پیگیر پرونده باشید و منتظر اطلاع رسانی اداره نباشید. آخرین نکته این که جهت تشکیل پرونده یک بار در انتهای کار (پس از تایید داوری) باید به صورت حضوری به اداره‌ی ثبت اختراعات واقع در تهران مراجعه کنید و همچنین پس از صدور گواهینامه نیز برای دریافت آن باید حضورا اقدام کنید. اگر ساکن تهران هستید این مسئله اهمیتی ندارد. اما اگر ساکن شهری به جز تهران هستید،

دوبار مسافرت به تهران را به فاصله‌ی دو هفته در نظر داشته باشید. اگر اختراع به صورت شراکتی انجام شده است، در مرتبه‌ی دوم و برای دریافت اختراع، یا باید همه‌ی شرکا در تهران حضور پیدا کنند و یا به یکی از مالکین اختراع وکالت بدهند تا اداره موافقت کند گواهینامه‌ی اختراع را به یک نفر تحویل دهد.

با دریافت گواهینامه، شما به جمع مخترعین کشور پیوسته اید. البته خیلی زودتر از این ها، زمانی که خبر تایید داوری را بشنوید، می‌توانید خود را مخترع بنامید. چراکه تایید داوری به منزله‌ی ثبت صد درصدی و رسمی شدن اختراع شماست و فقط ادامه‌ی مراحل اداری آن را باید تا زمان صدور گواهینامه پیگیری کنید. فراموش نکنید که اگر می‌خواهید به مدت ۲۰ سال از اختراع شما حمایت شود، باید هر سال رأس تاریخ تشکیل پرونده، مبلغی را تحت عنوان حق الثبت سالیانه به حساب اداره واریز کنید. این مبلغ بسیار ناچیز است. اما واریز کردن آن بسیار مهم است. چون مطمئنا بعد از یک سال، این مسئله را فراموش خواهید کرد، هم اکنون به طور جدی توصیه می‌کنم هر تدبیری که می‌توانید برای یادآوری خودتان به کار ببرید تا به مشکلات احتمالی در آینده بر نخورید. البته اگر حمایت ۲۰ ساله برایتان اهمیتی ندارد و صرفا به یک مدرک بدون پشتوانه دلخوش هستید، می‌توانید حق الثبت سالیانه را نریزید. در این صورت گواهینامه‌ی شما فقط در سال اول ارزش دارد و از سال دوم به بعد بود و نبودش اهمیتی ندارد.



**فصل پنجم:**

**معدل من ۱۳ است!**

زمانی که اولین اختراع من به ثبت رسید، در دانشگاه سمنان، دانشجوی ترم ۵ مهندسی مکانیک بودم. طولی نکشید که دومین اختراع من هم به ثبت رسید. چرا که این دو اختراع به هم مرتبط بودند و هر دو را با هم به اداره ی ثبت اختراع ارائه کرده بودیم. با ورود به ترم ۶، مراسمی تحت عنوان تجلیل سبز برای تجلیل از شاگرد اول های رشته های مختلف دانشگاه به روال هر ترم برگزار شد. اختراعات من با همکاری یکی از دوستان مهندسی برق و یکی از اساتید دانشگاه به انجام رسیده بود. از من و دوستم دعوت شد تا در این مراسم شرکت کنیم. دوستم علاوه بر اینکه مخترع شده بود، شاگرد دوم مهندسی برق دانشگاه هم بود. اما من از نظر درسی، در بین دانشجویهای مهندسی مکانیک هم دوره ی خودم، تقریباً شاگرد وسط بودم! اما با این حال از من هم دعوت شده بود! به هر حال مخترع بودم. سوالاتی را چند ساعت قبل از مراسم به ما دادند تا مطالعه کنیم و پیشاپیش برایشان پاسخی در نظر بگیریم. قرار بود مجری برنامه با ما مصاحبه ای داشته باشد و آن سوالات را از ما بپرسد. دقیقاً خاطرم نیست که آن سوالات چه بودند. با این حال چیزی توی دلم مانده بود که حتماً میخواستم بر روی سن بگویم. گشتم و جایی لا به لای حرف ها، جایی برای گفتنش پیدا کردم که بی ربط با سوال مطرح شده هم نباشد. مراسم شروع شد

و طبق روال برنامه پیش رفت. چند تن از اساتید مقداری سخنرانی کردند و پیش از اهدای لوح تقدیر ها و هدایای شاگرد اول ها، نوبت به مصاحبه‌ی ما رسید. من و دوستم بالای سن رفتیم و مجری سر صحبت را باز کرد. اولش استرس داشتم. در مقابل من یک سالن ۶۰۰ نفری تقریبا پر شده بود و در این بین حداقل ۲۰۰ نفر شاگرد اول های دانشگاه و جمعی از اساتید مطرح دانشگاه حضور داشتند. نمی دانستم حرفی که خواهم گفت چه تاثیری دارد. نمی دانستم این جمع از حرف من ناراحت می شوند یا خوشحال. اما می دانستم که این یک حقیقت است و شنونده‌ی عاقل، متوجه منظور کلام من خواهد شد و چه بسا این حرف من بتواند اثر مثبتی حداقل برای همان جمع ۶۰۰ نفری داشته باشد. اکنون که می خواهم برای شما بیان کنم، از اثر مثبت آن اطمینان دارم. بالاخره سوالی که مد نظر من بود را مجری پرسید و بخشی از آن را دوستم جواب داد تا نوبت به من رسید. با مقداری مقدمه چینی گفتم مخترع بودن لزوما ارتباطی با درس خوان بودن و شاگرد اول بودن ندارد. به عنوان مثال من خودم معدل ۱۳ است! هنوز می خواستم ادامه بدهم و بگویم که با این حال دوست من شاگرد دوم رشته‌ی برق است که حضار اجازه ندادند و آنقدر با سوت و کف و تشویقشان از حرف من استقبال کردند که تا چند دقیقه صدایم در بین تشویق ها گم بود و نمی توانستم حرفم را کامل کنم. بالاخره مصاحبه تمام شد، هدایایمان را دریافت کردیم و پایین آمدیم. از شاگرد اول ها تجلیل شد و مراسم به پایان رسید. اما حرف من هنوز در ذهن دانشجویان مانده بود و موقع بیرون رفتن از سالن با تشویق مخترع! مخترع! مرا بدرقه کردند. آنجا بود که فهمیدم همه‌ی

دوستان حرف من را عمیقا درک کرده بودند. حقیقت مسئله همین است که مخترع بودن ربطی به وضعیت تحصیلی ندارد. مثال بارز این صحبت من، توماس ادیسون است که به عنوان نماد مخترع در ذهن مردم جهان باقی مانده است و همه می دانیم که این مخترع بزرگ، وضعیت تحصیلی خوبی نداشته است. اما خدمتی که ادیسون به مردم سراسر جهان کرد، اگر والاتر از تولید علم بزرگ ترین دانشمندان شاگرد اولی نبوده باشد، کم اهمیت تر هم نبوده است. شاید برخی از شما اطلاع نداشته باشید که انیاک، اولین کامپیوتر جهان از مجموعه ای از چند هزار لامپ خلاء درست شد. لامپ خلاء با لامپ رشته ای ادیسون اندکی تفاوت دارد، اما اساس کار آن به لامپ رشته ای بر می گردد. بدیهی است که اختراع کامپیوتر تحول بزرگی در زندگی بشر به وجود آورد و سر رشته آن، به لامپ ادیسون برمی گردد.

این صحبت ها را نکردم تا بگویم درس خواندن بد است یا شاگرد اول بودن چیز مهمی نیست. برعکس، توصیه می کنم تحت هر شرایطی کسب دانش را رها نکنید. من خودم تمام ۱۲ سال مدرسه تا دیپلم را شاگرد ممتاز بوده ام و افت تحصیلی من در دانشگاه به یکسری علت های شخصی باز می گردد. اما حرف من این است که هرکسی در یک زمینه ی خاصی نبوغ دارد و استعداد همه ی افراد لزوما به شکل شاگرد اول بودن نمود پیدا نمی کند. حتی اگر از مدرسه یا دانشگاه اخراج شده باشید و یا نتوانسته باشید درس را تمام کنید، دلیلی بر عدم توانمند بودن شما نیست. دلیلی بر استعداد نداشتن تان هم نیست.



من به شخصه از افرادی که به خود جرأت ترک تحصیل را می‌دهند خوشم می‌آید! استیو جابز هم با ترک تحصیل به چنین پیشرفت‌هایی نایل شد. اگر بخواهم مثال بزنم، از اینگونه افراد بسیار زیاد داشته‌ایم و خودتان هم بهتر می‌دانید. من خودم هیچگاه جرأت نکردم ترک تحصیل کنم! تحصیلاتم را ادامه دادم، اما آنچه که از آموختنی‌ها اکنون برایم مفید و کاربردی شده است، تماما چیزهایی بوده است که در خارج از چارچوب درس مدرسه و دانشگاه فرا گرفته‌ام. جالب است که آنچه جامعه از من انتظار دارد نیز، دقیقا همان توانمندی‌هایی است که تحت مطالعات غیر درسی آموخته‌ام.

بنابراین نظر شخصی من این است که همه‌ی انسان‌ها نابغه خلق شده‌اند. فقط باید نبوغ درونی خودتان را پیدا کنید و اعتماد به نفس داشته باشید. به صرف اینکه نمره‌ی درس ریاضی را به زور از ۹ به ۱۰ می‌رسانید، خودتان را نبازید. استعداد شما مشکلی ندارد. فقط در شرایطی کنونی چنین نتایجی می‌گیرید. اصلا چه بسا عوامل بیرونی منجر به این تفکر در شما بشود که استعدادتان کم است. مثلا اگر معلم یا استادی، بد درس می‌دهد و سخت امتحان می‌گیرد، دیگر این مشکل شما نیست که از ۹ بیشتر نمی‌گیرید. شما صرفا نمی‌توانید و یا نمی‌خواهید همانند همکلاسی‌هایتان خودتان درس بخوانید. توقع دارید از معلم یا استاد چیزی بیاموزید و این در حالی است که آن شخص توانایی کافی در تدریس ندارد و یا ترجیح می‌دهد در کلاس‌های خصوصی مابقی مطالب را عنوان کند. شاید خیلی‌ها مخالف این حرف من باشند، اما من به جرأت آن را

بیان می‌کنم و آن این است که لطفاً از روی وضعیت تحصیلی افراد، هوش و استعداد آن‌ها را اندازه‌گیری و نتیجه‌گیری نکنید. در رابطه با خودتان هم همین‌طور است. اگر شاگرد اول هستید مغرور نشوید و اگر ترک تحصیل کرده‌اید هم ناامید نشوید.

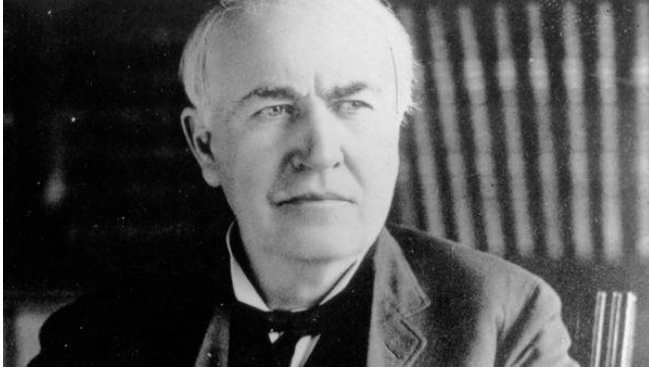
همه‌ی شما خوانندگان این کتاب، استعداد کافی برای مخترع شدن را دارید. به قدر کافی ایده‌هم در ذهن دارید. از نظر من همه‌ی شما بالقوه مخترع هستید. اگر می‌خواهید به‌طور رسمی مخترع شوید، فقط کافی است که اراده‌ی کافی و در کنار آن یکی از انگیزه‌هایی را که در فصل ۳ مطرح کردم، داشته باشید. پس دیگر به نمرات درسی تان توجهی نکنید. بعد از این هم هرکس در مسیر ثبت اختراع خواست نمرات درسی تان را جلوی چشمتان بیاورد، در پاسخ بگویید امید حامدتابعی معدلش ۱۳ بوده است!

## **فصل ششم:**

**مروری بر سرگذشت مخترعین مشهور**

اگر توقع دارید زندگی نامه بخوانید، در کتاب های دیگری به دنبال زندگی نامه‌ی مخترع محبوبتان بگردید! در اینجا می‌خواهم جایگاه ثبت اختراع را در داستان زندگی مخترعین بزرگ دنیا به شما نشان دهم. آیا شخصی مانند ادیسون، یک خانه‌ی شلوغ و عجیب و غریب با کلی ابزار داشت که اختراعاتش را بسازد؟ خب وقتی ساخت چه کرد؟ چه چیزی باعث شهرت ادیسون شد؟ آیا ادیسون هم با مراجعه به اداره‌ی ثبت اختراعات، ایده‌های خود را ثبت می‌کرد و گواهی‌نامه‌ی ثبت اختراع دریافت می‌کرد؟ چه چیزی باعث شد تا همه‌ی مردم دنیا از لامپ ادیسون استفاده کنند؟ اصلاً آیا ادیسون از طریق اختراعاتش پولدار هم شد؟ این سوالات را می‌توانیم به سایر مخترعین بزرگ دنیا مثل جیمز وات، کارل بنز، گالیلئو گالیله، لئوناردو داوینچی، الکساندر گراهام بل و ... نیز بسط دهیم. تا جایی که حق مطلب ادا شود، مثال‌هایی از مخترعین کشورهای مختلف دنیا در ادامه عنوان و بررسی می‌کنیم.

## ۱- توماس آلوا ادیسون (۱۸۴۷-۱۹۳۱ آمریکا)



ابتدا از توماس ادیسون شروع می‌کنیم. چراکه به نظر می‌رسد ادیسون مشهور ترین و پر افتخار ترین مخترع جهان محسوب می‌شود. لامپ ادیسون همه جا به عنوان نماد اختراع استفاده می‌گردد و این درحالی است که ادیسون واقعا مخترع لامپ نبوده است!

همه‌ی ما داستان اخراج ادیسون از مدرسه را شنیده‌ایم. ادیسون در عین حال از جانب مادرش به خوبی مورد حمایت بود. اما این دلیل نمی‌شود که شمایی که حتی پدر و مادرتان اختراعتان را مسخره می‌کنند، دست از تلاش بردارید.

ادیسون پس از اخراج از مدرسه شروع به مطالعه کتب انتخابی مادرش در کتابخانه نمود. با این حال نداشتن امکانات آزمایشگاهی مدرسه، باعث شد تا

رویای داشتن یک آزمایشگاه برای خودش را در ذهن بپروراند. از همان سنین کودکی در کنار مطالعاتی که داشت، مشغول به کار شد. در سال ۱۸۶۹ به عنوان سرپرست فنی به استخدام یک مؤسسه‌ی صرافی بزرگ در نیویورک درآمد. در این مقام او توانست نخستین اختراع موفقش را که نوعی تلگراف چاپی بود، به نام خود ثبت کند. بله، درست شنیدید! ادیسون گرچه استعداد خاصی در ساختن اختراعاتش داشت، اما از همان ابتدا اختراعات خود را به طور رسمی در اداره‌ی ثبت اختراعات آمریکا به ثبت می‌رساند. این رویه را تا پایان عمر ادامه داد و همانطور که در ادامه می‌خوانید، در زمانی که از دنیا رفت، همچنان اختراعی در صف داوری اداره‌ی ثبت داشت. تلگراف ادیسون برخلاف انواع رایج که علائم مورس را به صورت صداهای کوتاه و کشیده به گوش اپراتور می‌رسانیدند، آنها را به شکل خط و نقطه بر روی نوار کاغذی چاپ می‌کرد. البته این اولین اختراع او نبود. اولین اختراع او یک دستگاه شمارش آرا بود. تلگراف دومین اختراع ادیسون محسوب می‌شد که تحول بزرگی در زندگی‌اش ایجاد کرد. او حق امتیاز اختراعش را در مقابل ۴۰۰۰ دلار به مدیر صرافخانه واگذار کرد و با پول آن در نیوجرسی یک کارگاه تحقیقاتی برای خود برپا نمود. پس دومین گواهینامه‌ی ثبت اختراع ادیسون به درآمد زایی تبدیل شد و رویای ادیسون را برای برپایی آزمایشگاهش به حقیقت تبدیل کرد. این درآمد زایی از طریق واگذاری حق انحصاری اختراع و یا به عبارتی دیگر با فروش گواهینامه‌ی ثبت اختراع به دست آمد و ادیسون، خودش درگیر تولید و فروش محصول نشد.

در آزمایشگاه شخصی اش، او علاوه بر تکمیل لوازم جانبی تلگراف، یک سامانه‌ی پیشرفته‌ی نمایشگر اطلاعات بورس را طراحی کرد که سود هنگفتی از آن حاصل آمد. ادیسون مدت‌ها این فکر را در سر داشت که کارگاهش را به محل بزرگ‌تر و بزرگ‌تری منتقل کند. با فراهم شدن سرمایه‌ی کافی، سرانجام در سال ۱۸۷۶ م. در منطقه‌ی «منلو پارک» نیوجرسی یک لابراتوار پژوهشی مجهز بنیاد نهاد و گروهی از افراد لایق و مستعد را به همکاری فراخواند.

تأسیس این آزمایشگاه نقطه‌ی عطفی در رشته فعالیت‌های ادیسون و از بزرگ‌ترین ابتکارهای او به شمار می‌رود. آزمایشگاه منلو پارک نخستین مؤسسه‌ای بود که منحصراً با هدف تولید و تکمیل ابداعات علمی برپا شد و آن را باید نمونه اولیه آزمایشگاه‌های تحقیقاتی بزرگی دانست که از آن پس تمام صنایع مهم در کنار کارگاه‌های خود ایجاد کردند. در سایه‌ی نظارت و سازماندهی توماس ادیسون و کار گروهی کارمندان وی صدها اختراع کوچک و بزرگ در این مؤسسه به ثمر رسیدند که البته همگی به نام ادیسون تمام شدند. یعنی به نام ادیسون ثبت اختراع شدند و اینگونه شد که ادیسون بیش از ۱۰۰۰ عدد گواهینامه‌ی ثبت اختراع را در طول عمر خود اخذ کرد. توجه کنید که ادیسون تا چه حد به ارزش ثبت رسمی اختراع پی برده بود که پس از اخذ هزار عدد گواهینامه‌ی ثبت اختراع، هنوز هم اگر ایده‌ی جدیدی پیدا می‌کرد، سریعاً برای ثبت رسمی آن اقدام می‌کرد. بدیهی است که در چنین شرایطی، هدف ادیسون از ثبت اختراع، شهرت و رزومه سازی یا امثال آن نبوده است. ادیسون در آن جایگاه، همچنان با هدف انحصار طلبی و کسب حمایت‌های حقوقی اختراع، ایده‌هایش را به ثبت می‌رسانید.

از آن پس لبراتور پژوهشی منلو پارک به موفقیت های زیادی دست یافت. در این بین داستان اختراع مشهور ادیسون یعنی لامپ، داستان جالبی است.

توماس ادیسون لامپ حبایی را ابداع نکرد و قبل از وی نوعی لامپ اختراع شده بود. او در سال ۱۸۸۰ یک طرح قابل تحقق و تولید برای لامپ حبایی مطرح کرد (با استفاده از یک رشته از جنس بامبوی کربنیزه) که مورد استفاده منازل و خانه ها شد و البته یک سال بعد جوزف سوان در سال ۱۸۸۱ یک ساختار کارآمدتر را (با استفاده از رشته‌ی سلولوزی) مطرح نمود.

سابقه‌ی سیستم روشنایی الکتریکی به اواسط قرن نوزدهم می‌رسد. در سال ۱۸۵۴ هاینریش گوئل نخستین لامپ برق را اختراع کرد که حدود چهارصد ساعت نور می‌داد اما آن را به نام خود به ثبت نرساند. پس از وی جیمز وودوارد، ویلیام سایر، متیو ایوانز (۱۸۷۵) و جوزف سووان (۱۸۷۸ م) مدل‌های دیگر چراغ‌های الکتریکی را ارائه کردند.

کمی پیش از آنکه ادیسون نیز وارد این عرصه‌ی جدید شود، والیس صنعتگر آمریکایی نوعی چراغ برق را روانه‌ی بازار کرده بود که نمونه‌ای از آن به دست ادیسون رسید (۱۸۷۸). دستگاه والیس تشکیل می‌شد از چارچوبی با یک حباب و دو میله‌ی فلزی متحرک که به هر کدام تکه زغالی متصل بود. عبور جریان برق از میله‌ها باعث می‌شد که دو قطعه زغال بسوزند و میانشان قوس الکتریکی بسیار درخشانی به رنگ آبی پدیدار شود.



این چراغ الکتریکی ابتدایی بازده پایینی داشت زیرا مصرف برق آن زیاد و عمر زغال‌هایش کم بود. با این وجود، ادیسون که به اهمیت اختراع والیس پی‌برده بود، تصمیم گرفت آن را اصلاح کند و به جای زغال ماده‌ی مناسب‌تری بیابد که با برق کمتر مدت درازی روشنایی بدهد و به مرور زمان نسوزد و از بین نرود.

پس از یک سال تلاش بی‌وقفه و آزمایش صدها ماده‌ی گوناگون، سرانجام ادیسون و همکارانش توانستند با خالی کردن هوای داخل حباب و استفاده از نخ معمولی کربنیزه (زغالی شده) لامپی بسازند که تا چهل ساعت نور بدهد. این موفقیت اولیه موجب شد تا آنها با پشتکار بیشتری به تحقیقات خود ادامه دهند و زمانی‌که موفق شدند عمر متوسط چراغ برق را به پانصد ساعت برسانند، ادیسون تشخیص داد که زمان مناسب برای نمایش آن فرا رسیده‌است.

البته نمونه لامپ ادیسون قبل از ارائه توسط شخص دیگری تولید و در اداره ثبت بریتانیا به اسم دانشمندی به نام سوان ثبت شده بود و این ثابت می‌کند لامپ ادیسون چیز جدیدی نبود ولی با این حال نباید تلاش‌های ادیسون را در راستای ترویج این تکنولوژی نادیده گرفت.

او از روزنامه‌نگاران و صاحبان سرمایه دعوت کرد تا در شب ۳۱ دسامبر ۱۸۷۹ برای دیدن اختراع جدیدش به منلو پارک بیایند. به دستور او آزمایشگاه و اطراف آن را با صدها لامپ برق آراستند بطوریکه محوطه‌ی منلو پارک و جاده‌ی منتهی به آن غرق در نور شده بود. ادیسون میهمانان خود را با چیزی

روبرو کرده بود که برایشان سابقه نداشت. منظره‌ی لامپ‌های نورانی بازدیدکنندگان را به شدت تحت تأثیر قرار داد؛ بطوریکه وقتی ادیسون نقشه‌ی خود را برای تأسیس یک کارخانه‌ی بزرگ الکتریسیته در نیویورک مطرح کرد پیشنهادش با استقبال گرم سرمایه‌داران حاضر روبرو شد. دقت کنید که نحوه‌ی ارائه‌ی اختراع برای جذب سرمایه‌گذاران چقدر هوشیارانه و زیرکانه بوده است. گفتیم که هاینریش گوبل در سال ۱۸۵۴ لامپی اختراع کرده بود که ۴۰۰ ساعت طول عمر داشت. از آنجایی که گوبل اولین نفری بوده است که مکانیزم لامپ را طراحی کرده است، به لحاظ فنی اگر نابغه‌تر از ادیسون نبوده باشد، کمتر هم نبوده است. اما گوبل هیچگاه اختراع خود را به طور رسمی به ثبت نرساند. این موضوع باعث شد تا ۲۵ سال بیشتر طول بکشد تا مردم آمریکا از نعمت روشنایی لامپ بهره‌مند گردند. این در حالی است که ادیسون به زحمت توانست لامپی بسازد که فقط ۱۰۰ ساعت بیشتر از لامپ گوبل (۵۰۰ ساعت) کار می‌کرد. اهمیتی ندارد که کیفیت لامپ ادیسون چقدر بهتر از لامپ گوبل بوده است. آنچه که مهم است که به آن توجه کنید این است که به یک اختراع واحد، یک نفر می‌خندد و به فراموشی می‌سپارد و دیگری ارزش قائل می‌شود و به مشهورترین مخترع جهان تبدیل می‌شود.

نگاه ادیسون به لامپ، فراتر از خود لامپ بود و باعث احداث اولین نیروگاه‌های تولید الکتریسیته در آمریکا شد و از آن پس انرژی الکتریکی به خانه‌های مردم راه یافت.

اما ادیسون که با راهکارهای ثبت اختراع و قوانین آن به خوبی آشنا بود، قطعاً پیش از رونمایی لامپ اختراعی اش، برای اخذ گواهینامه‌ی ثبت اختراع آن اقدام کرده بود. در جایی آمده است که در ژانویه‌ی ۱۸۸۰ ادیسون برای ثبت اختراع لامپ اقدام کرده است. اما این حقیقت ندارد. ادیسون باهوش تر از آن بوده است که بخواهد اختراع ثبت نشده را در ملاء عام به نمایش بگذارد. در اداره‌ی ثبت اختراعات آمریکا، لامپ ادیسون در تاریخ ۴ نوامبر ۱۸۷۹ به ثبت رسیده است، یعنی تقریباً دو ماه پیش از آنکه بخواهد از آن در منلو پارک رونمایی کند و صاحبان سرمایه را جذب کند. اما با این حال تاریخ صدور گواهینامه ۲۷ ژانویه‌ی ۱۸۸۰ بوده است. حدس می‌زنم ادیسون به محض اینکه تایید داوری اختراع را از اداره گرفته است، از آن رونمایی کرده و منتظر صدور گواهینامه‌ی چاپی نشده است و از این نظر، خود ادیسون نیز برای اختراع لامپ اهمیت ویژه‌ای قائل بوده است و زمان را برای توسعه‌ی آن از دست نداده است.

**US223898A**  
US Grant

[Download PDF](#) [Find Prior Art](#) [Similar](#)

**Inventor:** [Thomas Alva Edison](#)  
**Original Assignee:** [Thomas Alva Edison](#)  
**Priority date :** 1879-11-04

**Family:** [US \(1\)](#) [DE \(1\)](#) [GB \(2\)](#)

Date	App/Pub Number	Status
1879-11-04	US223898A	Expired - Lifetime
1880-01-27	US223898A	Grant

**Info:** [Cited by \(27\)](#), [Similar documents](#), [Priority and Related Applications](#)

**External links:** [USPTO](#), [USPTO Assignment](#), [Espacenet](#), [Global Dossier](#), [Discuss](#)

گزارش Google Patents از اختراع لامپ ادیسون

متن کامل اظهارنامه‌ی اختراع لامپ ادیسون را می‌توانید در سایت ایران اختراع مشاهده نمایید.

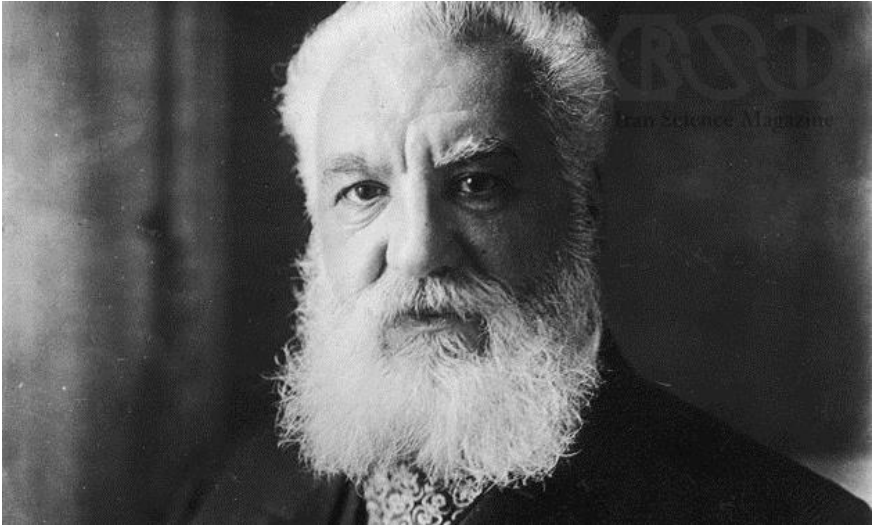
نکته‌ی دیگری که حائز اهمیت است این است که مکانیزم کلی لامپ خلاء به اسم ادیسون ثبت نشد. چرا که قبل از آن هم چنین مکانیزمی وجود داشت و از این نظر ایده‌ی جدیدی نبود. ادیسون فقط توانست ماده‌ی به دست آمده برای عبور جریان و نوردهی را به نام خود به ثبت برساند. این مسئله در

طراحی اختراعات امری رایج است. شاید شما ایده‌ی کاملاً جدیدی نداشته باشید، اما برای بهتر کردن کارآیی یک دستگاه خاص، ایده‌ی جدیدی داشته باشید. در این صورت شما نمی‌توانید کل آن دستگاه را به عنوان ایده‌ی خودتان ثبت کنید. چون چیز جدیدی نیست. ولی می‌توانید همان بخش نوآورانه‌ی را که به دستگاه اضافه کرده‌اید به نام خود ثبت کنید. ادیسون بر این مسائل تسلط کامل داشته است.

ادامه‌ی داستان ادیسون گرچه پر فراز و نشیب و جذاب است، اما آنچه گفتنی بود و آنچه باید از داستان وی نتیجه می‌گرفتیم را بیان کردیم. صرفاً از سال‌های پایانی عمر ادیسون برایتان نقل می‌کنم.

ادیسون در تبدیل سینما به رسانه‌ای همگانی و صنعتی سودآور نقش مؤثری ایفا کرده‌است. فیلم استاندارد ۳۵ میلیمتری با چهار روزه در لبه‌ی هر فریم که هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد از یادگاری‌های ادیسون است. وی همچنین مؤسس اولین استودیوی فیلمسازی دنیا (بلک ماریا در ایالت نیوجرسی) است. نخستین فیلم کپی‌رایت شده‌ی تاریخ سینما با عنوان «عطسه-ی فرد ات» در این استودیو ساخته شد. همچنین فیلم فرانکنشتاین (۱۹۱۰) نیز در استودیو و شرکت فیلمسازی وی ساخته شده‌است. در ۶ ژانویه ۱۹۳۱ ادیسون اظهارنامه‌ی ثبت آخرین اختراع خود «وسیل‌ی نگهدارنده‌ی اشیاء هنگام آبکاری الکتریکی» را به اداره‌ی ثبت اختراعات آمریکا فرستاد اما پیش از دریافت پاسخ، اجل به او مهلت نداد و این مخترع بزرگ در اواخر همان سال در سن ۸۴ سالگی چشم از جهان فروبست.

## ۲- الکساندر گراهام بل (۱۸۴۷-۱۹۲۲ اسکاتلند)



شاید دومین مخترع مشهوری که هم دوره‌ی توماس ادیسون بوده و با اختراعش تحول بزرگی در دنیا ایجاد کرده است، الکساندر گراهام بل باشد. داستان این مخترع نیز به نوبه‌ی خود نکات آموزنده‌ی فراوانی دارد که متفاوت از داستان ادیسون است. ادیسون با ۱۰۰۰ اختراع، ادیسون شده بود و گراهام بل فقط با یک اختراع به این افتخار بزرگ نائل آمد. البته گراهام بل نیز همانند

هر مخترع دیگری، تعداد زیادی اختراع را به ثبت رسانده است. اما در تمام دوران زندگی، تمرکزش بر روی تلفن بوده است و سایر اختراعات وی نیز گاهی در راستای بهبود همین اختراع بوده است. اختراع تلفن به قدری در مسیر زندگی الکساندر موثر بوده است که حتی ازدواج او را نیز تحت الشعاع قرار داده است. در ادامه زندگی نامه‌ی این مخترع بزرگ را به طور خلاصه اما کامل آورده‌ام.

الکساندر گراهام بل مخترع تلفن در ۳ مارس ۱۸۴۷ (میلادی) در شهر ادینبورگ در اسکاتلند زاده شد. چندسالی به مدرسه نرفت ولی با همت خودش و تلاش خانواده هم در دوران ابتدایی و هم در دوران متوسطه شاگرد ممتازی بود. او تحصیلات کالج نداشت و از آنجا که پدر گراهام بل یعنی ملویل بل متخصص فیزیولوژی صدا، اصلاح گفتار و آموزش به ناشنوایان بود در همان دوران کودکی علاقه‌ی بل به شغل پدر در او پیدا شد و او تصمیم گرفت با شغل پدر امرار معاش کند.

در سال ۱۸۷۱ میلادی الکساندر گراهام بل که در آن هنگام ۲۴ ساله بود دو برادر خود را به خاطر سل از دست داد و او خود از بیماری جان سالم به در برد و در همان سال به همراه پدر و مادر خود راهی شهر برنتفورد در انتاریوی کانادا شد، گراهام بل یکسال در کانادا دوران نقاهت خود را سپری کرد.

در همان سال الکساندر راهی ایالات متحده شد چون نامه‌ای از خانم سارا فولر، مدیر آموزشگاه ناشنوایان بوستون دریافت کرد که در آن نامه از او خواسته شده بود که شغل معلمی در آن آموزشگاه را بپذیرد و از آن پس، بل

هر روز به کلاس درس می‌رفت و روشهایی را که از پدر خود برای آموزش ناشنوایان یاد گرفته بود به کار می‌بست. او در پایان روز آزمایش ارتعاش را با دیپازنهای خود از سر می‌گرفت، او دیپازنهای خود را در اتاق خواب گذاشته بود و بر روی آنها کار می‌کرد و معتقد بود که مسئله ارتعاش مجهولات زیادی دارد و در این زمینه به مطالعه یکی از کتابهای مشهور هلموتز، فیزیکدان نامی آلمانی، به نام تئوری وظایف اعضاء مبنی بر مطالعه احساسات شنوایی پرداخت و در همین زمان یعنی در دهه هفتاد او در کارگاه برق چارلز ویلیامز که مرجع بسیاری از مخترعان بود با توماس واتسون آشنا شد.

واتسون در آن موقع فقط بیست سال داشت اما تا آن زمان به کارهای گوناگونی پرداخته بود. مدرسه را در دوازده سالگی ترک کرده و از آن پس چندی به ظرفشویی و مدتی هم به پیشخدمتی پرداخته بود. اما سرانجام به دلیل جاذبه شگفت برق به کارگاه ویلیامز آمده بود. او آدمی چابکدست و تیزهوش بود و در نمونه سازی مهارت داشت، از این رو مخترعان او را خوب می‌شناختند. آشنایی بل با واتسون به این صورت بود که بل روزی در حالیکه تلگراف هارمونیک را در دست داشت، واتسون را ملاقات نمود و با او در زمینه بهتر کار کردن دیپازنها و فرستادن چند پیام در آن واحد با یک رشته سیم صحبت کرد. بل از واتسون خواست که او را در ساخت این دستگاه یاری نماید و واتسون هم قول داد تا آنجا که بتواند به وی یاری برساند. از آن پس الکساندر و واتسون به آزمایش تلگراف هارمونیک دست زدند و آزمایشهای آنها پس از تعطیلی کارگاه آغاز می‌شد و آنها تا سرتاسر بهار سال بعد با هم کار کردند.



الکساندر و واتسون برابر هم، هریک در سویی از اتاق ایستاده بودند. سیم درازی دو دستگاه را بهم وصل می‌کرد، الکساندر گاه بگاه یک دیابازن برمی‌داشت و به گوشش می‌چسباند. سپس آن را بر جایش می‌گذاشت و کمی تنظیم می‌کرد و آزمایش را از سر می‌گرفت. آنها به درستی نظریه خود آگاه بودند اما روش به کار بستنش را نمی‌دانستند. نخست نتهایی را بدقت موزون می‌کردند و با سیم می‌فرستادند اما هنگام دریافت آنها را درهم می‌یافتند. بل در همین هنگام پس از آزمایشهای زیاد، ناامید شد و در همین هنگام جرقه تولید و ساخت تلفن در مغز او زده شد او طرح خود را به واتسون توضیح داد و پس از مشورت، آنها به این نتیجه رسیدند که ساخت تلفن به هزینه زیادی احتیاج دارد و ساختن حتی یک نمونه هم از استطاعت مالی آنها به دور است. پس از یکی دو روز بل به خود جرأت داد به دیدن آقای هبرد و آقای ساندرز که هر دو آنها از سرمایه داران بوستون بودند برود تا از آنها پشتیبانی کنند. اما آنها استقبال چندانی از بل نکردند و به او پیشنهاد کردند که مشخصات تلگراف خود را به واشنگتن ببرد و آنرا در اداره اختراعات ایالات متحده ثبت کند. بل رهسپار واشنگتن شد و اختراع خود را ثبت کرد.

از آن به بعد الکساندر هفته‌ای یک شب با واگن اسبی به خانه هبرد می‌رفت چون در اولین دیدار که الکساندر برای کمک مالی به خانه آقای هبرد رفته بود در این دیدار دوستی الکساندر بر دل آن مرد نشست، میبل دختر آقای هبرد لال بود و از این رو پدرش از الکساندر خواست تا با روش خود با او سخن بگوید و سخن گفتن را به او یاد بدهد. پس از چند هفته دیگر چندان نیازی به آموزش نبود زیرا میبل خوب سخن می‌گفت اما الکساندر هنوز هر هفته به خانه

هبرد می‌رفت و خود را در آن خانه بیگانه نمی‌یافت و به میبل قول داد که با او ازدواج بکند. در همین هنگام، دو همکار، دیاپازن را برای کار خود کافی نیافته بودند، از اینرو الکساندر بر آن شد که بجای دیاپازن، از نی فولادین ارگ استفاده کند و آنها با این کار نتیجه گرفتند و توانستند صوت را انتقال دهند و امتیاز اولین تلفن در ۷ مارس ۱۸۷۶ به او اعطا شد.

در ۲۴ ژوئن ۱۸۷۶ الکساندر به نمایشگاه صدساله صنایع گام نهاد. این نمایشگاه در فید مونت پارک فیلادلفیا برگزار شد. در این نمایشگاه، که امپراتور برزیل هم، حضور داشت، بل برنده جایزه ویژه شد. پس از آن بل به معرفی اختراع خود در این زمینه پرداخت و در تالارهای زیادی سخنرانی کرد.

سپس آقای هبرد سرمایه‌گذاری را در تلفن آغاز کرد و حتی راضی به ازدواج او با میبل شد و عروسی آنها ۱۱ ژوئیه ۱۸۷۷ انجام گرفت و در همین هنگام بل به همراه میبل روانه انگلستان شد و در آنجا خانه‌ای را کرایه کرد و مشغول پذیرایی مهمانانی شد که هرکدام جوپای آشنایی با تلفن بودند و او در انگلستان حتی در حضور ملکه انگلستان هم طریقه کار تلفن را اجرا کرد.

بل و همسرش در ۱۸۷۸ با کشتی به سوی ایالات متحده آمریکا روانه شدند، و بل به محض رسیدن به ایالات متحده آمریکا روانه بوستون شد تا به دفاع از امتیاز تلفن که شرکت دسترن یونیون مدعی آن شده بود بپردازد.

او در این دادگاه سر بلند بیرون آمد و در همان سال آقای هبرد و واتسون اولین آگهی را چاپ کردند و این آگهی تأثیر شگفت‌انگیزی در مردم داشت، هرکس به فکر تهیه تلفن افتاد.

در سال ۱۹۱۵ یک خط تلفن سرتاسری در خاک ایالات متحده آمریکا برقرار شد. آن روز رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا از کاخ سفید در واشینگتن با فرماندار کالیفرنیا ارتباط برقرار کرده بود و صدای او را می‌شنید. در این جشن فقط رئیس جمهور و فرماندار شرکت نداشتند بلکه در همین هنگام بل در نیویورک پشت میزی نشسته بود و با واتسون که در کالیفرنیا بود، درباره‌ی روزهای اولیه اختراع صحبت می‌کرد.

در اوت سال ۱۹۲۲ بل در باغ شخصی خود در بن بریا در استان نوا اسکوشیا در کانادا درگذشت.

در این روایت ملاحظه کردید که ثبت رسمی اختراع تلفن، پیش از ساخت نمونه‌ی اصلی آن انجام گرفت. بعد ها حتی شرکت دسترن یونیون سعی کرده بود این اختراع را به نام خود تمام کند و گراهام بل برای دفاع از حق و حقوق انحصاری اختراع خود، مجبور به پیگیری قانونی مسئله از طریق دادگاه شد. علت پیروزی بل در دادگاه، مالکیت اختراع بوده است. بل مدت ها قبل از آنکه شرکت دسترن یونیون بخواهد ادعایی بکند، اختراع خود را به ثبت رسانده بود و مالک آن بود. بنابراین شرکت دسترن یونیون اجازه‌ی بهره برداری از آن را نداشته است و دادگاه حق هرگونه تولید و بهره برداری از اختراع تلفن را از آن شرکت صلب کرده است. هرچه این روایات را بیشتر مطالعه کنید، بیشتر مطمئن می‌شوید که مخترع شدن بدون ثبت رسمی اختراع امری غیر ممکن و تفکری اشتباه است.

### ۳- کارل فردریش بنز (۱۸۴۴-۱۹۲۹ آلمان)



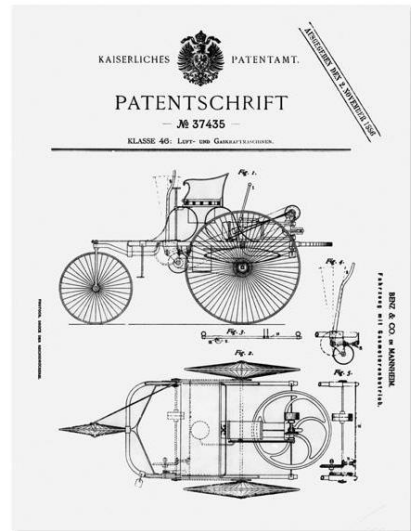
۲۵ نوامبر سال ۱۸۴۴ کارل بنز مهندس و مخترع مشهور آلمانی در شهر کارلسروهه آلمان متولد شد. فقط ۲ سال داشت که پدرش را از دست داد، بعدها به یاد پدرش، نام خود را به کارل فردریش بنز تغییر داد. نبود پدر، خانواده کارل فردریش را با مشکلات زیادی روبرو کرد و مخارج زندگی توسط مادرش به سختی تأمین می شد. با وجود اینکه از نظر مالی به شدت مشکل داشتند، اما مادر کارل بنز روی تحصیل فرزندش حساس بود و اولویت را تحصیل او می دانست. کارل بنز در مدارس خوب آن دوران شروع به تحصیل کرد و نبوغ خود را خیلی سریع به نمایش گذاشت. زمانی که فقط ۹ سال سن داشت در سالن سخنرانی که دانشمندان آن دوران حضور می یافتند و دستاوردهایشان را عرضه می کردند، حضور می یافت و به مباحث علمی گوش می داد. در این دوران

کارل بنز جوان به شدت تحت تأثیر سخنرانی های فردیناند ردتنباخر قرار گرفت، کسی که از وی به عنوان یکی از بنیان گذران مهندسی مکانیک یاد می شود.

در جوانی کارل بنز بدنبال تحصیل در رشته ی آهنگری بود، اما به مرور مسیرش را تغییر داد و تصمیم گرفت همانند پدر مهندس لوکوموتیو شود. کارل بنز ۳۰ سپتامبر سال ۱۸۶۰ در سن ۱۵ سالگی در امتحان ورودی دانشگاه کارلسروهه برای رشته مهندسی مکانیک شرکت کرد و با قبولی در این آزمون اجازه ورود به دانشگاه را یافت. کارل بنز در این دوره نیز از شاگردان بزرگ فردینان ردتنباخر به حساب می آمد. کارل فردریش بنز در تاریخ ۹ جولای سال ۱۸۶۴ در حالی که فقط ۱۹ سال سن داشت با مدرک مهندسی مکانیک از دانشگاه کارلسروهه فارغ التحصیل شد.

ایده ساخت ماشین در ذهن کارل بنز در خلال تحصیل در دانشگاه و زمانی که وی با دوچرخه به دانشگاه می رفت شکل گرفت. کارل بنز در تمام طول مسیر روی ایده خود فکر می کرد و آن را می پروراند. بعد از پایان تحصیل کارل فردریش بنز به مدت ۷ سال در کارخانه های مختلف به عنوان کارآموز مشغول به کار شد، اما در هیچ کدام از آنها شغل ثابت پیدا نکرد. با این حال حضور در این شرکت ها و شرکت در دوره های آموزشی آنها در کنار تجربه ی کارهای مختلف، دید وسیع و تجربه گرانبهایی را در اختیارش قرار داد. سال ۱۸۷۱ کارل بنز در سن ۲۷ سالگی به همراه آگوست ریتز شروع به ساخت یک کارخانه کوچک آهن و کارگاه آهنگری کرد. سال های اولیه کار نتایج کاملاً ناامید کننده بود و آگوست ریتز دیگر به کار علاقه نشان نمی داد؛ اما کارل بنز

به کار امیدوار بود و به تلاش ادامه می داد. در این وضعیت نامزد کارل بنز، برتا رینگر با جهیزیه خود سهم اگست ریتز را خرید. آنها یک سال بعد با هم ازدواج کردند و صاحب ۵ فرزند به نام های ایگن، ریچارد، کلارا، تایلد و آلن شدند. در شرایطی که کارخانه آهن و کارگاه آهنگری کارل بنز در شرایط بدی قرار داشت و آنها به سختی می توانستند مخارج روزمره خود را تأمین کنند، کارل بنز توانست مدل های اولیه موتور خود را اختراع کند و این موضوع کمک بزرگی به سودآوری کارخانه آنها کرد و کمی از مشکلاتشان کاست. به مرور کارل بنز با ثبت اختراعات خود در زمینه مدل های مختلف موتور و ساخت موتورهای قوی تر، در حالی که سود مناسبی را برای شرکت به همراه آورد، توانست باعث شهرت وی شود.



در اوایل دهه ی ۱۸۸۰ مشکلات دوباره به سراغ شرکت آنها آمد و بخاطر بدهی های بانکی و فشارهایی که از بانک ها بخاطر مخارج سنگین کارشان وارد می شد شروع به واگذاری سهام شرکت کرد. تا آنجا که کارل بنز تنها ۵٪ از سهام شرکت را در اختیار داشت و حتی به نظرات وی در طراحی محصولات شرکت نیز اهمیتی داده نمی شد. همین موضوع باعث شد که سال ۱۸۸۳، کارل بنز بطور کامل شرکتی که خود آن را تأسیس کرده بود را ترک کند و به کار مورد علاقه و سرگرمی دوران کودکیش یعنی تعمیر دوچرخه مشغول شود و یک مغازه برای تعمیر دوچرخه باز کرد و بعد از مدتی نیز کمپانی جدید تأسیس کرد و خیلی زود به موفقیت قابل ملاحظه ای در ساخت موتورهای گازی ثابت دست یافت.

موفقیت کارل بنز در شرکت جدید کمک کرد تا وی بتواند روی رویای کودکی اش یعنی کالسکه های بدون اسب تمرکز کند. سرانجام کارل بنز رویای خود را در سال ۱۸۸۵ با ثبت بنز پتنت-موتورواگن به حقیقت تبدیل کرد تا نامش را در تاریخ صنعت خودر جاوان سازد و نوید شروع عصر طلایی جدیدی را بدهد. کارل بنز در تاریخ ۱۹ ژانویه سال ۱۸۸۵ سه چرخه ای را که با موتور گازسوز حرکت می کرد، به شماره ۳۷۴۳۵ در دفتر ثبت اختراعات آلمان، در شهر برلین ثبت کرد. این خودرو نخستین اتومبیل در صنعت خودروسازی بشمار می آید.

در همان سال کارل بنز یک پشتیبان مالی دیگر به نام فردریک ویلهلم ایلینگر در ماکس رز پیدا کرد. فردریک یک فروشگاه دوچرخه فروشی داشت و کارل بنز متوجه علاقه زیاد او به وسایل موتوری شد و در همان زمان بود که

کارل بنز با کمک فردریک و یک شرکت دیگر، شرکت خود را به نام بنز راه اندازی کرد.

آنها توانستند نیروی کار شرکت خود را به ۲۵ نفر افزایش دهند. آنها تا جایی پیشرفت کردند که دیگر قادر بودند امتیاز تولید موتورهای بنزینی خود را به دیگران واگذار کنند. بعد از این بود که کارل بنز تصمیم گرفت تمام وقتش را صرف توسعه موتورهای اتومبیل کند. سرانجام او موتورهای چهارزمانه بنزینی خود را روی کالسکه ای نصب کرد و در سال ۱۸۸۶ بود که توانست از اولین خودروی بنزینی خود بهره برداری کند و آن را به نمایش عمومی بگذارد. تا سال ۱۸۸۷ او ۳ مدل از این نوع خودروها را طراحی کرد. کارل بنز، مدل اول را در سال ۱۹۰۶ به موزه آلمان اهداء کرد. مدل دوم را چندین بار طراحی و بازسازی کرد و مدل سوم هم دارای چرخ های چوبی بود که همسرش، برتا برای اولین بار با این خودرو به مسافرت طولانی رفت. در سال ۱۸۸۶ بنز توانست به مرحله ای از موفقیت برسد که تولیداتش دیگر جوابگوی تقاضای مردم نبود، در نتیجه تصمیم گرفت کارخانه خود را توسعه دهد. بتدریج «بنز» در امر خودروسازی پیشتاز شد و در سال ۱۸۹۹ به یک شرکت سهامی بزرگ تبدیل شد. به طوری که در آن زمان سالانه ۵۷۲ دستگاه خودرو تولید می کرد. در سال ۱۹۰۳ کارل بنز از کارهای فنی کناره گرفت تا به عنوان ناظر هیات مدیره به کار خود ادامه دهد. این اقدام او به دنبال مشاجره ای بود که با مدیرعامل داشت. اما ۳ سال بعد به این نتیجه رسید که شرکتی به نام خودش یعنی «کارل بنز» در لیرنبورگ آلمان تأسیس کند. سهامداران این شرکت خودش و پسرانش بودند. آنها در ابتدا تمام تلاش شان را بر این گذاشتند که خودروهایی با موتور بخار تولید کنند.



ولی زمان در حال تغییر بود و تقاضا برای این موتورها کاهش یافت، بنابراین او مجبور شد خط مشی خود را تغییر دهد. در سال ۱۹۱۲ «بنز» شرکت را به عنوان یک شریک ترک کرد و پسرانش را تنها گذاشت و شرکت بسرعت پیشرفت کرد و شعبه هایی در بازارهای مختلف ایجاد کرد. برای مثال در انگلیس خودروهای تولیدی این شرکت به خاطر کیفیت بالایی که داشتند به عنوان تاکسی به کار گرفته شدند و هر روز بر محبوبیت آنها افزوده می شد. در سال ۱۹۲۳ کارل آخرین خودروهای تولیدی خود را ساخت. این خودرو ۸ و دیگری ۲۵ اسب بخار قدرت تولید می کرد. هر دوی اینها را کارل بنز برای استفاده شخصی خودش نگه داشت و از آنها لذت برد و هرگز آنها را نفروخت و این خودروها اکنون در موزه نگهداری می شوند.

داستان مهندس نابغه، کارل فردریش بنز را با یکدیگر مرور کردیم. همانطور که ملاحظه نمودید، هم الکساندر گراهام بل و هم کارل بنز از لحاظ درسی نیز دانش آموزان ممتازی بودند. این در حالی است که در فصل پیش در رابطه با وضعیت درسی صحبت کردیم و گفتیم نبوغ طراحی اختراع ربطی به استعداد تحصیلی ندارد. با این حال بدیهی است که هرکس دانش فنی بهتری داشته باشد و مبنای علمی اختراع مورد نظرش را بهتر درک کرده باشد، بهتر می تواند دست به ایده های خلاقانه‌ی تخصصی بزند. با این حال من همچنان از نظام نمره و معدل صحبت نمی کنم. پیشنهاد من به شما برای تخصصی تر شدن ایده هایتان این است که مبنای علمی آن موضوع مورد نظر را به خوبی درک کنید. دقت کنید که نمی گویم امتحان بدهید و ۲۰ بگیرید. می گویم آن را عمیقا درک کنید. ادیسون را به یاد آورید که تحصیلات مدرسه‌ای را ادامه نداد. اما

آنچه را که خود در کتابخانه مطالعه می کرد، با عشق و علاقه می خواند و عمیقا درک می کرد. شخصی مثل کارل بنز به قدری با شرایط آکادمیک کنار آمده است که در ۱۹ سالگی در رشته ی مهندسی مکانیک از دانشگاه فارغ التحصیل شده است و بالعکس آن، توماس ادیسون به قدری با مدرسه مشکل داشته است که از دوران دبستان، مدرسه را رها کرده است. آنچه مهم است این است که هر دوی این بزرگان و همچنین همه ی مخترعین در هر جای دنیا که دست به اختراع جدیدی می زنند، مبنای علمی موضوع اختراشان را به خوبی درک کرده اند و البته مجدد به حرف خودم بر می گردم که درک عمیق یک مطلب علمی، چیزی متفاوت از نمره ی ۲۰ گرفتن در امتحان است.

نکته ی دیگری هم در فصل های پیشین مطرح کرده ام که ممکن است اکنون با خواندن این مطالب و یادآوری آن نکته دچار تناقض شده باشید. گفته بودم که مخترع از نظر من کسی است که به خوبی مشکلات روز مره را پیدا می کند و حتی اگر سواد علمی هم در آن موضوع نداشته باشد، به صرف پیدا کردن مشکل، می تواند مخترع باشد.

اولا با دقت در داستان کارل بنز مشاهده می کنید که بنز از یک مشکل روز مره که دوچرخه سواری و خستگی ناشی از آن بود، به فکر ساختن وسیله ای افتاد که خودرو باشد و نیازی به رکاب زدن نداشته باشد. از طرفی دیگر، بنز خودش مهندس مکانیک بود. مشکلی را که درک کرده بود، کاملا در حیطه ی تخصصی خودش بود. اما اگر مثلا یک دوچرخه سوار عادی این مشکل را حس می کرد و به فکر ساختن یک خودرو می افتاد، شاید ناچار می شد یک مهندس

خلاق مانند بنز را پیدا کند و پول هنگفتی به او بدهد تا ایده‌اش را به صورت علمی و مهندسی طراحی کند. شاید هم مجبور می‌شد بخشی از درصد مالکیت اختراعش را به شخص طراح واگذار کند! با این حال هرگز نا امید نشوید. این صحبت‌ها برای زمانی است که اختراع شما خیلی پیچیده است و طراحی آن نیاز به علوم مختلف مهندسی دارد. همه‌ی اختراعات لزوماً پیچیده نیستند. گاهی اوقات یک ایده‌ی بسیار ساده، یک اختراع بسیار بزرگ است. به عنوان مثال گاهی اوقات یک پیچ و یا حتی چیزی ساده تر از آن، می‌تواند یک اختراع باشد!

تا اینجا روایت زندگی سه مخترع بزرگ جهان را بررسی کردیم. آنچه که قصد داشتیم از زندگی مخترعین بزرگ جهان به شما نشان دهیم، در این سه داستان به طور شفاف وجود داشت. لذا دلیلی بر طولانی تر کردن کلام وجود ندارد. وگرنه بسیار تمایل داشتیم از مخترعین بزرگ ایرانی برایتان روایت کنیم. به عنوان مثال یکی از بزرگ ترین اختراعات جهان که توسط یک مخترع ایرانی ابداع شده است، اختراع لیزر گازی توسط پروفیسور علی جوان است. پدیده‌ی لیزر اولین بار از نظر تئوری توسط آلبرت انیشتین کشف شده است و پروفیسور جوان توانسته است به طور عملی آن را برای نخستین بار بسازد. ساخت پرتو لیزر تحول عظیمی در جهان تکنولوژی و رایانه‌ها و ارتباطات و ... به وجود آورده است که همه‌ی آن‌ها را مرهون پروفیسور علی جوان هستیم. اما با این حال در این فصل لزومی بر روایت زندگی نامه‌های بیشتر از مخترعین را نمی‌بینیم.

هدف از ارائه‌ی این فصل آن بود که متوجه اهمیت و ارزش حقوقی گواهینامه‌ی ثبت اختراع بشوید و بدانید که همه‌ی مخترعین بزرگ دنیا، اختراع خود را به طور رسمی ثبت نموده‌اند و گواهینامه‌ی ثبت اختراع دریافت کرده‌اند. این ثبت اختراعات لزوماً بین المللی هم نبوده است. لاقلاً برای شروع کار هیچکس به یکباره برای ثبت بین المللی اقدام نمی‌کند. هرکس در اداره‌ی ثبت اختراعات کشور خودش اقدام می‌کند و در صورت کسب شهرت جهانی و صادرات محصول به کشورهای دیگر، ثبت اختراع در کشور هدف و یا ثبت بین المللی را انجام می‌دهد. به عنوان مثال توماس ادیسون در کشورهای بریتانیا، فرانسه و آلمان نیز ثبت اختراع داشته است. مهم این است که بدانید فرآیند مخترع شدن پایانی ندارد، اما شروع مشخصی دارد و آن ثبت رسمی اختراع و کسب گواهینامه است.

## **فصل هفتم:**

# **نتیجه گیری و حرف آخر**

در خلال نوشتن این کتاب، یک نوجوان خلاق دبیرستانی به نام صادق به من مراجعه کرد و از اختراعی صحبت کرد که تقریباً آن را ساخته بود. اما هیچ ذهنیتی از اداره‌ی ثبت اختراع نداشت و متأسفانه حتی اساتید دانشگاهی که با آن‌ها مشورت کرده بود، راهنمایی درستی او را نکرده بودند. برایش توضیح دادم که مخترع شدن با ساختن اختراع تفاوت دارد. چیزی به اسم گواهینامه‌ی ثبت اختراع و چیزی به اسم اداره‌ی ثبت اختراعات وجود دارد. فلسفه‌ی وجودی گواهینامه‌ی ثبت اختراع را برایش توضیح دادم و آدرس سایت اداره را هم در اختیارش گذاشتم. اما ناخودآگاه سوالی از او پرسیدم. گفتم اصلاً چرا دوست داری مخترع بشوی؟! مگر من که مخترع شده‌ام، تبدیل به چیز خارق‌العاده‌ای شده‌ام؟ هدف تو از ثبت اختراع چیست؟

حتماً خاطرتان هست که در فصل سه در رابطه با انگیزه‌های مختلف ثبت اختراع صحبت کردیم. قطعاً پاسخ صادق در یکی از همان موارد می‌گنجید. اما نمی‌دانم چرا دوست داشتیم مسئله را عمیق‌تر با صادق در میان بگذارم. شاید چون صادق خیلی به دلم نشست و احساس کردم خیلی دوستش دارم. اکنون می‌دانم همه‌ی خوانندگان این کتاب را به قدر صادق دوست دارم. لذا می‌خواهم همان حرفی را به عنوان حرف آخر در اینجا مطرح کنم که با صادق در میان

گذاشتم. به صادق گفتم اختراع کردن خوب است، مخترع شدن خوب است، اما دلیل واقعی تو برای انجام آن چیست؟ صادق گفت دوست دارد یک خط تولید بزرگ داشته باشد که همه چیز تولید کند. گفتم دلیل تو برای داشتن یک خط تولید بزرگ چیست؟ سوال برایش سخت شد! دوست داشت دیگر! به من ربطی نداشت! یادم نیست که اصلا توانست به این سوال پاسخی بدهد یا نه. با این حال من ادامه دادم و بحث را به آنجا رساندم که از او پرسیدم هدف تو از زندگی چیست؟

انتظار نداشتم یک نوجوان دبیرستانی بتواند به راحتی به این سوال پاسخ دهد. این سوال را از خیلی از انسان های پخته‌ی میانسال هم پرسیده‌ام و جواب قانع کننده‌ای دریافت نکرده‌ام. فقط خواستم صادق را به فکر فرو ببرم. اکنون آن را در اینجا مطرح کردم تا شما نیز به آن فکر کنید. لطفاً از فکر کردن و پاسخ دادن به آن طفره نروید و بهانه در نیاورید. این سوال پاسخ شفاف و ساده‌ای دارد. فقط اندکی فکر کنید و ببینید که هدف شما از زندگی چیست و از دنیای اطرافتان چه می‌خواهید؟ شاید مخترع شدن اصلا در آن جایگاهی نداشته باشد. با خود رو راست باشید.

آخرین حرفی که به صادق زدم این بود که اگر من اکنون در کنار تو نشسته‌ام و راهکارهای مخترع شدن را برای تو توضیح می‌دهم، هدف خود را از زندگی می‌دانم. می‌دانم که چرا با اشتیاق فراوان برای مخترع شدن به تو کمک می‌کنم. البته اگر شما فکر می‌کنید انگیزه‌ی من کسب درآمد بوده است، باید بگویم صادق از جمله مراجعین نزدیک من بود که هیچگونه هزینه‌ای از او نگرفتم

و نخواهم گرفت. اگر فکر می‌کنید به عنوان یک کار خیر، دوست دارم به هم‌نوع خودم کمک کنم، باید خدمتتان عرض کنم که هدف شما از کمک به دیگران چیست؟! من پاسخ این را هم برای خودم روشن کرده‌ام. چون پاسخ سوال اصلی را می‌دانم. قطعاً شمایی که با انگیزه‌ی مخترع شدن، این کتاب را تا آخرین صفحه خوانده‌اید، نسبت به پاسخ این مسئله بی تفاوت نخواهید بود. چون دوستتان دارم و می‌خواهم به درستی راهنمایی‌تان کرده باشم و می‌دانم که مسئله را به خوبی درک می‌کنید، آن را همانند صادق برای شما نیز مطرح کردم. پس شما را با این سوال تنها می‌گذارم و خواهش می‌کنم به طور جدی به آن فکر کنید و آن سوال این است که پیش از آنکه بدانید هدف شما از ثبت اختراع چیست، هدف شما از زندگی چیست؟



... من سوال اساسی تری دارم. شما با مطالعه ی کامل این کتاب تمامی اطلاعات لازم در مسیر مخترع شدن را خواهید آموخت. اما سوال من این است که مگر همه ی مردم مخترع می‌شوند؟ مگر لزومی دارد که همه مخترع باشند؟ پاسخی که خودم به این سوال می‌دهم این است که لزومی ندارد همه ی مردم مخترع باشند، اما لازم است که همه ی مردم با راه و روش صحیح ایده پروری آشنا باشند. چرا که عدم آگاهی در این زمینه باعث می‌شود که ایده هایی بسیار ناب و گران سنگ هر روز و هر روز به محض پیدایش، در نطفه خفه شود و به باد فراموشی سپرده شود. قطعاً بسیاری از شما این اتفاق را تجربه کرده اید که ایده‌ای در سر داشته اید و پس از گذشت مدتی فراموشی، شاهد ساخت آن توسط دیگران بوده اید ...



**خانه مخترعین ایران**

[www.iranekhteraa.com](http://www.iranekhteraa.com)



کد شامد:

۱-۱-۷۴۵۱۷۶-۶۲-۰-۲

قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان